



پرونده ویژه

● انتخابات هیأت مدیره
کانون‌های وکلای دادگستری

● برای دریافت نسخه الکترونیک اسکن کنید

شماره سوم، تیر ۱۳۹۸
قیمت: ۵۰۰۰ تومان

ماهنامه حقوقی وکلا
www.vokalamag.ir



برای اولین بار:

انتشار آراء هیأت نظارت بر انتخابات
هیأت مدیره کانون وکلای خراسان
ودادگاه عالی انتظامی قضات
پیرامون حواشی انتخابات
دوره هشتم

برای حمایت از این نشریه مستقل
می‌توانید برای پرداخت هزینه نسخه الکترونیکی (۱۵۰۰ تومان) یا اشتراک نسخه کاغذی
اینجا کلیک کنید



رحیم نوبهار:
حقوق کیفری در جدال
میان صلح و عدالت



حسن حسن زاده:
پیشنهاداتی در باب
ارتقاء جایگاه وکالت



محمد کاظم عمارتی:
داشتن وکیل مورد تایید
بهتر از ۲۰ روز
بدون وکیل بودن است

ابوالفضل ابوترابی، طراح «طرح آموزش و پذیرش وکالت» کیست؟

ایجاد تبعیض و محدودیت برای زنان است، پیشنهاد اختصاص سهمیه انتخاباتی به زنان را خلاف قانون اساسی می‌داند و می‌گوید: «شایسته‌سالاری باید تنها ملاک انتخاب افراد باشد و مردم باید فارغ از جنسیت در میدان رقابت حضور پیدا کنند.»

ابوترابی در عرصه خانوادگی هم معتقد به ایجاد محدودیت‌هایی برای حقوق زنان است؛ برای مثال او به دنبال تصویب طرحی بود که ملاک پرداخت مهریه رابه جای ۱۱۰ سکه، ۱۴ سکه بهار آزادی طرح قدیم تعیین می‌کرد.

طرحی برای اجاره اجباری خانه‌های خالی با حکم دادستانی، طرح نصب اجباری سامانه مکان‌یاب «نبا» بر روی همه خودروهای داخلی، طرح تشکیل «وزارت امور شهدا و ایثارگران»، طرحی موسوم به «سربازی اختیاری»، طرح ممنوع الخروج کردن همه مسئولان تا دو سال پس از استعفا یا برکناری و... برخی از طرح‌هایی هستند که این نماینده در گفت‌وگو با رسانه‌ها از تدوین و پیگیری آنها سخن

گفته اما در عمل به نتیجه مشخصی نرسیده و اغلب حتی در مجلس اعلام وصول نشده‌اند. به‌نظر می‌رسد همواره حواشی اقدامات ابوترابی بیشتر از متن بوده؛ حاشیه‌هایی که در مورد «طرح پذیرش و آموزش وکالت» نیز بیش از هر چیزی خودنمایی می‌کند و این طرح را به عرصه صف‌کشی حامیان و مخالفان کانون‌های وکلای دادگستری تبدیل کرده است.

حال که طرح پیشنهادی کانون‌های وکلای دادگستری برای اصلاح پاره‌ای از قوانین مرتبط با وکالت نیز در مسیر اعلام وصول در مجلس شورای اسلامی قرار گرفته، باید دید نمایندگان و به‌ویژه اعضای کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس، تا چه حد مستقل از فضا سازی‌ها و شائناژهای رسانه‌ای به بررسی این دو طرح خواهند پرداخت.

ابوالفضل ابوترابی (زاده ۱۳۵۵ تیران)، نماینده مردم نجف‌آباد در مجلس شورای اسلامی است که از او با عنوان «طراح طرح آموزش و پذیرش وکالت» یاد می‌شود، هرچند نمی‌توان با اطمینان خاطر او را نویسنده یا تنها نویسنده این طرح جنجال‌برانگیز دانست.

نماینده اصولگرای مردم نجف آباد و تیران و کرون در دوره نهم و دهم مجلس شورای اسلامی، تحصیلات اولیه خود که در زمینه راه و ساختمان بود را در دانشگاه علوم قضایی (وابسته به قوه قضاییه) در مقطع کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی ادامه داده است.

او از سال ۱۳۸۱ وارد دستگاه قضا شد و ظرف مدت کوتاهی به ریاست دادگاه عمومی بخش کرون و بعد از آن، دادستانی شهرستان تیران و کرون منصوب شد و تاکنون سمت‌های قاضی تحقیق دادگاه انقلاب اصفهان و بازپرس شعبه ۱۱ دادسرای انقلاب اصفهان را نیز تصدی کرده است.

ابوترابی که از مخالفان پر و پا قرص لوایح FATF نیز هست، در طول مدت نمایندگی ید طولایی در ارائه طرح‌ها و اظهار نظرهای جنجالی و خبرساز داشته است و طرح آموزش و پذیرش وکالت اولین نمونه از این دست نیست. او یکی از مخالفان اشتغال زنان است و بارها پیشنهاد کرده زنان به خانه‌داری مشغول شوند و دولت از ۵۵ سالگی به بعد به آن‌ها وجهی به عنوان «حقوق بازنشستگی خانه‌داری» بدهد تا مردان راحت‌تر شاغل شوند.

ابوترابی که در بحث اشتغال، طرفدار

سرمقاله



انتخابات کانون وکلا؛

دموکراسی یا آریستوکراسی؟ وکیل پایه یک دادگستری

اداره کانون‌های وکلای دادگستری به عنوان نهادهای مستقل به هیأت‌مدیره‌های منتخب وکلا سپرده شده است. طبق قانون، اعضای هیأت‌مدیره برای دوره‌های دو ساله و با رأی مستقیم وکلا انتخاب می‌شوند.

احتمالاً نیت قانونگذار از تعیین این شیوه برای اداره کانون‌های وکلای دادگستری، استقرار ساختاری دموکراتیک و شایسته‌ای قامت این نهاد مدنی بوده است. با این فرض که دموکراسی بهترین شیوه اداره باشد هم باید بدانیم صرف رأی‌گیری و برگزاری انتخابات اکثریتی نه تنها دموکراسی نیست، بلکه حتی الزاماً نمایانگر برآورد نظرات کل جامعه نیز نیست.

رأی‌گیری و انتخابات می‌تواند یکی از بروزات و نتایج احتمالی استقرار دموکراسی باشد و به بیانی دیگر یکی از شروط لازم (و نه کافی) آن است. همان‌طور که طی مدارج دانشگاهی الزاماً موجب افزایش دانش نمی‌شود یا انجام وکالت در پرونده‌های متعدد دلیلی بر تبحر و تسلط حرفه‌ای یک وکیل نیست، برگزاری انتخابات هم الزاماً موجب استقرار دموکراسی نخواهد شد.

دموکراسی ملزوماتی دارد همچون مدارا، چند صدایی، مشارکت و نظارت عمومی، شفافیت و... اگر چه امروزه در سطح کلان جامعه نیز از این جهات با ضعف مواجهیم، اما این واقعیت که کانون وکلا به‌عنوان یک نهاد مدنی و اجتماع نخبگانی از این جهات گاهی حتی پایین‌تر از سطح عمومی جامعه باشد، بسیار مصیبت‌بار است.

اغلب علت چنین ضعف‌های ساختاری را در ساختار سیاسی و اجتماعی کشور جستجو می‌کنیم که این امر ناشی از عدم درک صحیح موقعیت کانون وکلا به عنوان یک نهاد مدنی است. در واقع اصلاح و ارتقای نهادهای مدنی می‌تواند منجر به اصلاح و پیشرفت سیاسی و اجتماعی در سطح عمومی شود. به دیگر سخن، می‌توان یکی از دلایل ضعف‌های ساختاری کانون را ضعف نهادهای مدنی از قبیل کانون‌های وکلا دانست.

انتخابات اکثریتی بدون وجود لوازم دموکراسی، در بهترین و سالم‌ترین حالت خود منجر به آریستوکراسی خواهد شد. آریستوکراسی حکومت نخبگان و برگزیدگان است. گروهی برگزیده که قدرت بین‌شان دست‌به‌دست می‌شود؛ حال خواه به سبب وراثت و خواه از مسیر صندوق‌های رأی.

در سال‌های اخیر افزایش ناهمگون پذیرش در رشته حقوق، که نقش نوشار را برای دانشگاه‌های رنگ‌به‌رنگ و رشک‌سته ایفا می‌کند و نیز رشد عمومی تقاضای اشتغال از سوی جوانان، فشار سنگینی بر کانون‌های وکلا وارد آورد که نهایتاً و در کنار عوامل دیگر موجب گشوده‌تر شدن در کانون‌های وکلا و شکل‌گیری نسلی جوان و رو به فزونی از وکلا شد. چه بسا از همان آغاز و شاید تا کنون مدیران سنتی که کارشان را کرده و بارشان را هم بسته‌اند، این نسل نو از وکلای جوان را به چشم مهمانانی ناخوانده می‌بینند.

چنین مدیرانی به جای پذیرفتن وکلای جوان به‌عنوان سرمایه‌ای ارزشمند برای کانون‌های وکلا، در تلاش برای حفظ انحصار سابق، از بدو ورود با تبعیض و دور نگه داشتن جوانان از بطن کانون، بذل از خود بیگانگی و بی‌تفاوتی را در دل آنان می‌کارند. ثمره چنین عملکردی گسست نسلی وکلا و تشدید روزافزون چالش‌های بنیان‌برانداز برای کانون‌هاست.

در چنین شرایطی که از یک سو پدنه کانون‌های وکلا بی‌تفاوت و دلسردند، از سوی دیگر نه راهی به درون کانون و مشارکت در اداره خود دارند و نه اصلاً برای این امور آموزش دیده یا تربیت می‌شوند، برگزاری انتخابات تنها وسیله‌ای برای جابجایی قدرت و مدیریت میان اشخاصی ثابت خواهد بود.

اصلاح این ساختار معیوب نه تنها به نفع کانون‌های وکلا بوده و موجب تقویت و استحکام این نهاد خواهد شد، بلکه با ارتقای جایگاه کانون وکلا به مقام اصلی خود به عنوان یک نهاد مدنی، در سطح کلان ملی نیز تأثیرات مهمی ایجاد کند.

● ابوالفضل ابوترابی
نماینده مردم نجف‌آباد
در مجلس شورای
اسلامی





وکلا از ذکر عناوین مجرمانه احتمالی قضات ابایی نداشته باشند

لازمه مقاومت در برابر
تخلفات قضات، تسلط بر
قانون و رعایت شأن مقام
قضایی و دوری از برخورد
هیجانی است

۱. عدم درج مشخصات قاضی یا عدم امضای ذیل صورت جلسات؛ ۲. تأخیر غیرموجه بیش از یک ماه در صدور رأی و اجرای رأی؛ ۳. اهمال در انجام وظایف محوله؛ ۴. استفاده از عبارات سبک و ناپسند (که همزمان می‌تواند دارای عنوان مجرمانه نیز باشد)؛ ۵. اعلام نظر ماهوی پیش از صدور رأی؛ ۶. عدم اعمال نظارت؛ ۷. مستدل و مستند نبودن حکم؛ ۸. عدم رعایت مقررات مربوط به تشکیل جلسه و ابلاغات؛ ۹. عدم رعایت مقررات ناظر به صلاحیت؛ ۱۰. گزارش خلاف واقع و مغرضانه؛ ۱۱. خارج کردن مستندات و لوايح از پرونده؛ ۱۲. خروج از بی‌طرفی؛

۱۳. رفتار خلاف شأن قضات؛ ۱۴. خودداری از پذیرش مستندات و لوايح ارائه شده از ناحیه طرفین و ثبت و ضبط فوری آن در پرونده؛ ۱۵. عدم ارجاع شکوایه توسط معاونت ارجاع مجتمع؛ ۱۶. عدم اعلام ختم تحقیقات؛ ۱۷. عدم نظارت بر دفتر و عملکرد اداری شعبه؛ ۱۸. ملزم کردن وکلا به ارائه قرارداد مالی برای ثبت وکالت‌نامه.

ب. مهم‌ترین تخلفات مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری

۱. اعلام مفاد رأی و تنظیم رونوشت پیش از امضای دادنامه؛ ۲. تخلف از صدور رأی در مهلت مقرر یک هفته؛ ۳. عدم اعلام نظر نسبت به مجرمیت یا براءت یا پیش اعلام نظر نسبت به مجرمیت یا براءت؛ ۴. عدم اخذ آخرین دفاع؛ ۵. بازداشت وکیل در محکمه کیفری؛ ۶. اخذ تأمین نامناسب؛ ۷. عدم تفهیم موضوع اتهام و عدم تبیین ادله اتهامی؛ ۸. پرسش سؤالات تلقینی و سبالاتی که در محدوده اتهام نیست؛ ۹. سلب حق یا عدم تفهیم حق داشتن وکیل؛ ۱۰. احضار متهم بدون دلیل کافی و همچنین عدم رعایت اصول بنیادین آیین دادرسی کیفری که در برخی موارد علاوه بر تخلف انتظامی می‌تواند سبب بی‌اعتباری تحقیقات باشد.

مجازات اسلامی و قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر است که در این رویه قانونگذار در ذیل ماده قانونی، ضمانت اجرای عدم رعایت قانون را مشخص کرده است.

شیوه سوم نیز در ماده ۱۸ قانون نظارت بر رفتار قضات اتخاذ شده که می‌گوید: «تخلف از قوانین موضوعه که در این قانون یا سایر قوانین، برای آن مجازات پیش‌بینی نشده است با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب، مستلزم یکی از مجازات‌های انتظامی درجه دو تا پنج است.» او با اشاره به ماده ۱۸ قانون نظارت بر رفتار قضات گفت: تخلف موضوع این ماده ممکن است به دو صورت محقق شود؛ یکی اینکه قانون حاکم بر موضوع از طرف قاضی رسیدگی کننده نادیده گرفته شود، مثلاً در جایی که قانون حاکم قانون مدنی است ولی قاضی به آن وصف جزایی می‌دهد. مصداق دوم تخلف از قوانین این است که قاضی موضوع را در قالب قانون حاکم بر دعوای مطروحه مورد رسیدگی قرار دهد اما بعضی از قواعد امری آن را رعایت نکند. چنین رفتاری تخلف انتظامی خواهد بود.

علیزاده جواهری درباره شیوه طرح شکایت از تخلفات قضات نیز بیان داشت: شرایط شکایت در ماده ۱۵ آیین نامه اجرایی نظارت بر رفتار قضات پیش‌بینی شده است که نخستین مورد، شکایت حضوری است و شیوه دوم، تقدیم شکایت در دادگستری مراکز استان است که رؤسای دادگستری مکلفند ظرف یک هفته این شکایت را به دادرسی انتظامی تهران ارسال کنند. مورد سوم نیز تقدیم شکایت از طریق پست سفارشی یا پست پیشتاز است.

در بخش دوم این کارگاه، سیدمیلاد علیزاده جواهری تخلفات انتظامی را که در دو قانون نظارت بر رفتار قضات و قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است به شرح زیر بر شمر د:

الف. مهم‌ترین تخلفات مندرج در قانون نظارت بر رفتار قضات:

کارگاه «آشنایی با تخلفات انتظامی قضات» روز ۲۶ فروردین‌ماه در محل جامعه وکلای دادگستری خراسان برگزار شد.

سخنران بخش اول این کارگاه، سیدمرتضی علیزاده جواهری، با اشاره به برخی رفتارهای دلسردکننده محاکم و دادرها نسبت به وکیل و نهاد وکالت، دلیل شکل‌گیری این رویه غلط را نظارت ناکافی قوه قضاییه، ضعف قانون وکلا و نیز تمکین بیش از حد وکلا در برابر سایر کنش‌گران عرصه عدالت دانست و افزود:

چندبار در برابر عدم ارجاع شکوایه توسط دادیار ارجاع به جای خواهش و تمنا، متذکر شدیم که این عمل استنکاف از حق و جرم است؟ چند بار ملاحظه برنده شدن موکل در دعوا را کنار گذاشته و در مقابل قاضی مقاومت کردیم؟ چند بار در برابر دادرسی که خارج از وقت جلسه ما را از شعبه بیرون کرده مقاومت کردیم؟ به خاطر داشته باشید که دادگاه ملک قاضی نیست و قاضی متصدی و اداره کننده شعبه است. به نظر می‌رسد باید در آنچه که تا امروز به عنوان روش وکالت پذیرفته‌ایم تجدیدنظر جدی کنیم؛ چشم‌پوشی از تخلفات انتظامی به خاطر عدم ایجاد جهت‌گیری نسبت به موکل را کنار بگذاریم و از متذکر شدن عناوین مجرمانه احتمالی و اقدامات خلاف قانون ابایی نداشته باشیم. البته همواره باید به خاطر داشته باشیم که لازمه به کاربردن این شیوه اولاً تسلط بر آیین دادرسی به ویژه در رسیدگی‌های کیفری و ثانیاً رعایت احترام مقام قضایی و دوری از برخورد هیجانی با پرونده است.

این وکیل دادگستری در ادامه اظهار داشت: به‌طور کلی قانونگذار ایران در بیان تخلفات انتظامی قضات از ۳ شیوه پیروی کرده است: اول تخلفات پیش‌بینی شده در قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ که بیش از ۴۷ عنوان تخلف را در مواد ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷ بیان کرده و ۱۳ درجه مجازات انتظامی برای آن‌ها در نظر گرفته است. شیوه دوم، پیش‌بینی تخلفات در قوانین خاص مثل قانون آیین دادرسی کیفری، قانون

■ سید صادق اردوبادی



“

اصل اول در استفاده از سلاحی که به مأمور انتظامی و نظامی تحویل داده شده است «عدم استفاده از سلاح» است

“

یکی از خلأهای قانونی این است که مأمورین انتظامی، نظامی یا بسیج، مسلح به سلاحهای کنترل اغتشاشات شهری (که حاوی گلولههای غیر جنگی اند) نیستند.

فلسفه وجود سازمان قضایی نیروهای مسلح برخورد با خودسری هاست

مصاحبه با دکتر ایمان عطری
بازپرس شعبه دو سازمان قضایی نیروهای مسلح خراسان رضوی

قانون به کارگیری سلاح (مصوب ۱۳۷۳) و آیین نامه ها و دستورالعمل های اجرایی آن، «دستورالعمل خدمتی گارد محیط زیست» و مورد آخر «آیین نامه پاسداری نیروهای مسلح» که در حال حاضر همگی قابل اجرا هستند.

دکتر وکلا در ماده ۴ قانون مذکور از حق استفاده از سلاح توسط مأمورین انتظامی جهت اعاده نظم و کنترل راهپیمایی های غیرقانونی صحبت می شود. با توجه به اینکه این ماده دارای ابهام است، سؤال این است که اگر راهپیمایی قانونی بود اما نظم راهپیمایی بهم خورد، چه باید بکنیم؟ آیا می توان به این ماده استناد کرد؟

با توجه به صدر ماده که صحبت از فرونشاندن شورش و ناآرامی هایی است که بدون استفاده از سلاح مهار آن ها ممکن نباشد، حتی در راهپیمایی های غیر قانونی که مهار آن به این حد و مرز نرسد نیز استفاده از سلاح مجوز نخواهد داشت. یکی از شعارهایی که این قانون به مأمورین یادآور می شود و ما نیز در جلسات آموزشی که برای آن ها می گذاریم به ایشان گوشزد می کنیم، این است که اصل اول در استفاده از سلاحی که به شما

قانون ها در این زمینه است اشاره نمود. «نظامنامه اداره تنظیمه هیأت وزرای نظام دولت»، «لایحه قانونی راجع به تشدید مجازات سارقین مسلح...»، «ماده واحده اجازه حمل سلاح به نگهبان بانک ها» و قانون «تشکیل گارد صنعت نفت» قوانین و مقرراتی هستند که در قبل از انقلاب تصویب شده اند.

اما پیشینه تقنینی قانون مورد بحث در بعد از انقلاب اسلامی را می شود در ماده ۳۳۲ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰)، ماده ۳۳ «آیین نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی»، ماده ۲۴ قانون «مجازات جرایم نیروهای مسلح» مصوب ۱۳۷۱ که در حال حاضر نسخ شده است، ماده ۴۱ همین قانون که در بازنویسی سال ۱۳۸۲ اشاره به تیراندازی بر خلاف مقررات توسط نظامیان دارد و همچنین «دستورالعمل خدمتی گارد محیط زیست» دید.

شاید بشود در یک تقسیم بندی کلی قوانین قابل اجرایی را که در حال حاضر می شود به آن استناد کرد، در شش مورد دسته بندی کرد: ماده ۳۳۲ قانون مجازات اسلامی، ماده ۴۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح (مصوب ۱۳۸۲)، ماده ۳۳ «آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها...»

در واپسین روزهای پایانی سال ۹۷ با دکتر «ایمان عطری»، بازپرس شعبه دو سازمان قضایی نیروهای مسلح خراسان رضوی، ملاقات کردم. بازپرسی جوان، مطلع و با نشاط که باروبی باز به سؤالاتم درباره شرایط استفاده از سلاح برای فرونشاندن بی نظمی های ناشی از راهپیمایی ها (ماده ۴ قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری) پاسخ داد.

دکتر وکلا به عنوان سؤال اول راجع به تاریخچه قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح کمی توضیح بفرمایید.

پیشینه تقنینی این قانون را به دو برهه و دو زمان متفاوت می توان تقسیم کرد: پیشینه قبل از انقلاب اسلامی و پیشینه پس از انقلاب اسلامی. در مورد قبل از انقلاب می شود به قانون «تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام» (مصوب ۱۴ ذی القعدة ۱۳۲۵ ه.ق) که از اولین

استفاده بکنند. اگر مأمورین بخواهند برای استفاده از این تجهیزات نیز از مافوق خود دستور بگیرند، زمان و ابتکار عمل را از دست می‌دهند. این‌گونه وسایل که جهت فرونشاندن شورش‌ها جنبه دفاعی یا ارباب دارند به نیروهای انتظامی قدرت اقدام سریع می‌دهند و با لحاظ دستور مافوق در استفاده از این وسایل کارایی لازم از ایشان گرفته خواهد شد.

اما ما شاهد خودسری‌هایی هستیم که با این سلاح‌های سرد رخ می‌دهد. این گفته شما راه را برای اعمال سلیقه بیشتر در هنگام استفاده از چنین تجهیزاتی باز نمی‌کند؟

فلسفه وجودی سازمان قضایی نیروهای مسلح یا اصطلاحاً دادسرای نیروهای نظامی برخورد با همین موارد خودسری‌ها است. خودسری‌هایی که ناشی از قدرت‌نمایی است یا بعضاً تفننی صورت می‌گیرد. ما پرونده‌های بسیار زیادی در این زمینه‌ها داریم که برای مأمور خاطی کیفرخواست و سپس حکم محکومیت داده شده است. بین برخورد با یک نفر یا برخورد با افراد فراوان در شورش‌ها تفاوتی وجود ندارد. هرکسی حق دارد در این دادسرا طرح شکایت کند. مثلاً موردی داشتیم که یک مأمور انتظامی از افشانه فلفل در برابر یک پیرمرد نحیف استفاده کرده بود. این اتفاق در مقابل یک بیمارستان رخ داده بود و اگر نزدیک بیمارستان این اتفاق نمی‌افتاد قطعاً این پیرمرد فوت می‌شد. شکایتی صورت گرفت و ما پیگیری کردیم و به این نتیجه رسیدیم که ضرورتی برای استفاده از این سلاح وجود نداشته است و کیفرخواست صادر کردیم. بعضاً دیده شده که نیروی بسیجی که این تجهیزات را در اختیار دارد به دلیل کمی سن و سال، عدم تجربه و آموزش کافی از این وسایل استفاده سوء کرده‌اند. مثلاً در یکی از پارک‌های حاشیه شهر مشهد چند مأمور بسیجی به دو فرد غیرنظامی برخورد می‌کنند و یک مشاجره لفظی بین ایشان رخ می‌دهد. بسیجیان که تعدادشان حدوداً ۸ نفر بوده این دو نفر را با شوکر، افشانه فلفل و باتوم مورد ضرب و جرح قرار می‌دهند.

دو عامل در این زمینه می‌تواند بازدارنده باشد؛ اول، آموزش است که جنبه پیش‌گیرانه دارد. دومین عامل نیز برخوردهای قضایی بدون اغماض، کارشناسانه و دقیق است.

در تبصره ۳ ماده ۴ صحبت از آیین‌نامه اجرایی شده است که می‌بایست توسط سه وزارتخانه تهیه و به وسیله هیأت وزرا تصویب و اجرایی گردد. آیا پس از ۲۶ سال چنین آیین‌نامه‌ای تصویب و اجرایی شده است؟

متأسفانه هنوز چنین چیزی به تصویب نرسیده است و به همین دلیل در این زمینه خلأ قانونی داریم. کمتر دیده می‌شود که قانون‌گذار مهلتی برای تدوین و تصویب آیین‌نامه‌ای بدهد و آن مهلت رعایت گردد. یکی از معضلات نظام قانونی کشور ما همین است که آیین‌نامه‌ها با تأخیر از راه می‌رسند و دستگاه قضایی با یک سردرگمی برای اجرای قانون مواجه می‌شود.

پلاستیکی استفاده کنند میزان خطر پایین می‌آید. در برخی کشورها دیده‌ایم که حتی از گلوله‌های پینت‌بال برای کنترل اغتشاشات استفاده می‌کنند.

یکی از بهانه‌هایی که مقامات برای عدم استفاده از چنین گلوله‌هایی می‌آورند، قیمت بالای آن‌ها است که برای تهیه چنین گلوله‌هایی بودجه بالایی نیاز است. این قطعاً پذیرفتنی نیست؛ حفظ جان شهروندان و رعایت حقوق شهروندی این را می‌طلبد که این نیروهای مسلح مجهز به سلاح‌هایی گردند که کشنده نباشند و صرفاً افراد را زمین‌گیر کند؛ زیرا رسالت نیروهای انتظامی صرفاً دستگیری و جلب اغتشاش‌گر است. ما نه در زمان جنگ هستیم و نه قصد کشتن افراد را داریم و زمین‌گیر کردن افراد با استفاده از گلوله جنگی متناقض‌نما است. زیرا همان‌طور که قبلاً گفته شد حتی تیراندازی به کمر و پایین‌تر موجبات مرگ یا فلج افراد را می‌تواند پدید آورد. این مسأله حتی در مورد پرونده‌های مربوط به نیروهای مرزبانی هم وجود دارد.

منظورتان این است که در مورد استفاده از سلاح توسط نیروهای مرزبانی خلأ قانونی وجود دارد؟

یکی از چالش‌های جدی قانون به‌کارگیری سلاح همین موضوع مرزبان‌ها است. در نقاط ممنوعه و صفر مرزی مرزبان‌های ما در شرایط عادی به‌سر نمی‌برند. مثل مأمورین نیروی انتظامی در شهرها نیستند که از یک تأمین جانی برخوردار باشند. آن مناطق مناطق پرخطری هستند. گاه‌گاه به این نیروها تذکر می‌دهند که اگر شب‌هنگام جنبه‌ای را دیدند با تیر بزنند؛ بدون دستور ایست و اخطار قبلی! این همان چیزی است که در هیچ جای قانون مورد بحث پیش‌بینی نشده است. مراتب به‌کارگیری سلاح را که در ماده ۳ قانون مذکور آمده است عمل‌نمی‌توان در نقاط صفر مرزی عملی نمود. شما شرایطی را در نظر بگیرید که نگهبانی در منطقه ممنوعه مرزی در دل شب مشغول نگهبانی است. هرگونه صدایی از این شخص بلند شود (مثل دستور ایست) در مرتبه اول مکان و موضع خود را لو داده است. اگر طرف مقابل مجهز به تفنگ‌های دید در شب و نقطه‌زن باشد، قبل از هر عکس‌العملی این نگهبان را می‌زند. این که گفته‌اند با دیدن جنبه‌ها به آن تیر بزنند درست است؛ زیرا منطقه ممنوعه است و کسی حق ورود به آن‌جا را ندارد و همه کسانی که در آن اطراف‌اند این را می‌دانند. لذا کسی که وارد آن منطقه می‌شود یا قصد ورود و خروج غیرقانونی را دارد یا قاچاقچی مواد مخدر است. کسی به اشتباه یا برای تفریح از این مناطق عبور نمی‌کند.

ما با توجه خلا قانونی، متناسب با شرایط حاکم بر این مناطق ممنوعه و عوامل موجه حقوقی همچون مباحث دفاع مشروع در این پرونده‌ها نظر می‌دهیم تا مرزبانان باچالش روبرو نشوند و در ایفا وظیفه خود سست نشوند.

تکلیف استفاده از افشانه فلفل و شوکر برقی در راهپیمایی‌ها چیست؟

سلاح در یک تقسیم‌بندی کلی به سلاح سرد و گرم تقسیم می‌شود. با توجه به قرائنی که در این قانون وجود دارد (به طور مثال اشاره قانون‌گذار به تیراندازی) منظور از سلاح همان سلاح گرم است و استفاده از افشانه فلفل، باتوم شوکری یا شوکر را شامل نمی‌شود؛ لذا باید درباره آن‌ها به مواد عمومی استناد کرد.

با این حساب استفاده از افشانه فلفل و شوکر احتیاجی به دستور مافوق (که در ماده ۴ به عنوان یکی از شرایط به‌کارگیری سلاح آمده است) ندارد؟

بله؛ در بند الف این ماده گفته شده که «قبلاً از وسایل دیگری مطابق مقررات استفاده شده و مؤثر واقع نشده باشد» لذا وسایل دیگر اشاره به همین مواردی دارد که شما می‌فرمایید. نیروها آموزش دیده هستند و می‌دانند که چه موقع و به چه صورت از این تجهیزات



تحويل داده شده است «عدم استفاده از سلاح» است؛ یعنی اصل بر آن است که «مأمور انتظامی و نظامی مجاز به استفاده از سلاح جنگی نیست مگر...» این مگرها را قانون‌گذار تعیین کرده است. بر این اساس تا وقتی که مأمور مجبور نشود (چه در مقام دفاع مشروع از جان خود یا دیگری و چه برای اعاده نظم جامعه) حق استفاده از سلاح را ندارد.

پس حتی در راهپیمایی غیرقانونی (که مجوز برگزاری از مراجع ذی صلاح را نیز ندارد) اما مسالمت‌آمیز که مخاطره‌ای برای نظم عمومی ندارد نیز استفاده از سلاح غیرقابل قبول است. در مقابل اگر راهپیمایی با مجوز شروع بشود اما در ادامه به جنجال کشیده شود و شورش و بلوا و ناآرامی را در پی داشته باشد، دیگر راهپیمایی از حالت قانونی خود خارج گردیده است. لذا داشتن یا نداشتن مجوز برای راهپیمایی جوازی برای استفاده از سلاح نیست. از این‌رو هر زمانی که راهپیمایی صورت غیرقانونی به خود بگیرد و تبدیل به شورش و ناآرامی شود، به طوریکه بدون به‌کارگرفتن سلاح مهارش غیرممکن باشد، مأمورین حق به‌کارگیری سلاح را دارند. یکی از خلأهای قانونی که در اینجا و یا در مواردی که مأمورین برای کنترل، جلب یا تعقیب متهمین به استفاده از سلاح مجبور می‌شوند، این است که مأمورین انتظامی، نظامی یا بسیج مسلح به سلاح‌های کنترل اغتشاشات شهری (که حاوی گلوله‌های غیر جنگی‌اند) نیستند. گلوله‌هایی که در اختیار مأمورین انتظامی و نظامی ما است همگی گلوله‌های جنگی‌اند. اگر چه برخی می‌گویند کمر به پایین منطقه بی‌خطر است اما بنده شخصاً نظرم این است که ما در بدن منطقه‌ای به نام منطقه بی‌خطر نداریم. شاید بتوانیم بگوییم منطقه پرخطر و کم‌خطر اما منطقه بی‌خطر نداریم؛ زیرا اگر گلوله جنگی به شریان اصلی خون در منطقه کمر به پایین برخورد بکند، به گفته پزشکان و آن‌چه در عمل مشاهده شده، شاید فقط ۵ تا ۱۰ دقیقه فرصت داشته باشیم تا فرد مضروب را نجات دهیم. در واقع چنین فردی عملاً به بیمارستان نخواهد رسید. درحالی‌که اگر نیروی انتظامی و نظامی ما بالاخص در راهپیمایی‌ها (که سیلی از جمعیت در حال حرکت است) از گلوله‌های



سیده نسرین حسین پور

رئیس اداره حقوقی اداره کل سازمان حفاظت محیط زیست خراسان رضوی:

حفظ محیط زیست بدون حمایت مؤثر از محیط بانان ممکن نیست

بسیار ناچیز است و در ۶،۵ سال گذشته این موارد انگشت شمار بوده است. در سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ دو پرونده منجر به فوت شکارچیان را داشتیم که یک پرونده با اخذ رضایت از اولیای دم با پرداخت دیه قانونی پیش رفت و پرونده دیگر نیز پس از صدور رأی نهایی از سوی دادگاه تجدیدنظر استان، با پرداخت دیه مختومه گردید. البته به لطف خداوند متعال با برگزاری دوره های آموزشی متعدد در ۳،۲ سال اخیر و نصب قانون بکارگیری سلاح در معرض دید محیط بانان در پاسگاه های محیط بانان، تیراندازی منجر به جرح شکارچیان و حتی محیط بانان نداشتیم.

و حرف آخر؟

محیط بانان یکی کار همراه با علاقه و عشق است. محیط بان دور از چشم شهروندان و عموم جامعه انجام وظیفه می کند و بسیاری از مردم زحمات این قشر خدمت را نمی بینند و ممکن است برخی آثار آن را لمس نکنند. شاید به همین دلیل است که تاکنون حمایت زیادی از محیط بانان نشده است. علاوه بر حمایت های مالی و روانی که در قانون جبران زحمات مأموران و در لایحه حمایت از محیط بانان به آن اشاره شده است، محیط بانان نیازمند حمایت های قضایی بیشتر هستند. یکی دیگر از مشکلات محیط بانان عدم صدور کارت ضابطان دادگستری است که در مأموریت ها بسیار کاربرد دارد. همچنین مشکل عمده سازمان حفاظت محیط زیست کمبود محیط بان است. همانطور که مستحضرد بر اساس استانداردهای جهانی به ازای حفاظت از هر ۱۰۰۰ هکتار یک محیط بان لازم است اما این میزان در ایران برای هر محیط بان حفاظت از ۶۰۰۰ هکتار است و در خراسان رضوی هر ۱۷۰۰۰ هکتار را یک محیط بان حفاظت می کند که علاوه بر افزایش فشار به محیط بان در گشت زنی و حضور در پاسگاه و دوری از خانواده، خطرات مضاعفی را به دنبال دارد.

همانطور که می دانید بر اساس اصل پنجاهم قانون اساسی، حفاظت از محیط زیست وظیفه همگانی است و می توان گفت آثار این حفاظت به همه آحاد جامعه و حتی فراتر از خطوط مرزی می رسد. امید است با تطبیق قانون بکارگیری سلاح با شرایط محیط بانان به همه جامعه کمک کنیم.

محیط بانان باعث شده است که محیط بانان کمتر راغب به استفاده از سلاح در مأموریت های خود باشند.

لایحه حمایت از محیط بانان و جنگل بانان را که در حال حاضر در مجلس است چگونه می بینید؟

این لایحه در کلیت موضوع لایحه خوبی است اما انتظار می رفت حمایت های بیشتری از محیط بانان انجام گیرد. ما در حال حاضر قانونی تحت عنوان قانون اصلاح قانون نحوه جبران زحمات و خسارات کارکنان سازمان حفاظت محیط زیست در ارتباط با جرایم زیست محیطی مصوب ۱۳۹۴ را داریم و بر اساس آیین نامه اجرایی آن که ۲۶ اسفند ماه ۱۳۹۷ در روزنامه رسمی چاپ شده، پرداختی هایی را بر اساس اعتبارات مصوب برای مأمورانی که در حین انجام وظیفه یا مأموریت محوله مصدوم یا مجروح شده و تحت مداوا قرار می گیرند یا در زمان کشف، تعقیب جرایم و دفاع از حقوق سازمان حفاظت محیط زیست دچار خسارت مالی می شوند اختصاص داده اند و حتی بر اساس بند «ب» ماده ۴ این آیین نامه از خانواده محیط بانانی که در جهت انجام وظیفه قانونی و مأموریت محوله به منظور جلوگیری، کشف، تعقیب جرایم شکار و صید و در حین برخورد با متخلفین جان خود را از دست می دهند حمایت مالی می نماید. خوب لازم است اگر لایحه جدیدی بخواهد تصویب شود حمایت های بیشتری نسبت به قوانین موجود از محیط بانان نماید. می شود گفت محیط بانان با متجاوزان به بیت المال و انفال مقابله می کنند، متجاوزانی که حتی در برخی پرونده ها به خانواده محیط بان آسیب وارد کرده اند. با وجود این خطرات متعدد، شغل محیط بانان می بایست در دسته مشاغل سخت قرار گیرد که اعمال و درج آن در لایحه حمایت از محیط بانان الزامی است.

تاکنون در استان خراسان برای محیط بانان در رابطه با استفاده از سلاح در مقابله با شکارچیان غیرقانونی مشکلاتی به وجود آمده است؟

استان خراسان رضوی تاکنون یک شهید در حوزه محیط زیست در شهرستان سبزوار داشته است. الحمدلله آمار تیراندازی محیط بانان به شکارچیان و بالعکس در استان خراسان رضوی به نسبت تخلفاتی که کشف می گردد

آقای رستمیان اندکی درباره قوانین مرتبط با محیط بانان بگویید.

محیط بانان به عنوان یکی از نیروهای دارای سلاح از قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳ تبعیت می کنند. همه محیط بانان در دوره های محیط بانان که معمولاً به مدت ۱۵ روز در استان البرز برگزار می شود شرکت می کنند که در این دوره مسائلی از جمله نحوه بکارگیری سلاح، وظایف و اختیارات قانونی، نحوه برخورد با متخلفین و غیره به محیط بانان آموزش داده می شود. محیط بانان بر اساس ماده ۱۵ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست ضابط دادگستری اند و بر مبنای ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ دوره های آموزشی مرتبط را زیر نظر دادستان و تحت آموزش قضات باتجربه از جمله قضات دادگاه تجدیدنظر استان می گذرانند.

در رابطه با به کارگیری سلاح توسط محیط بانان و دفاع از خود و مقابله با شکارچیان غیرقانونی چه مشکلات و خلاءهایی وجود دارد؟

قانون بکارگیری سلاح، قانونی است که کلیه نیروهای مسلح تابع آن هستند و فرقی میان مأموران نیروی انتظامی، محیط بانان، جنگلبانان، نیروهای بسیج، نیروی دریایی و غیره نمی گذارد که این وضعیت مشکلاتی را به همراه خواهد داشت؛ برخی خلاءهای موجود به دلیل عدم انطباق برخی شرایط حاکم بر یک گروه از مأموران (محیط بانان) با قانون بکارگیری سلاح است. شرایط مأموران نیروی مقاومت بسیج با شرایط محیط بانان متفاوت است. شرایط مأموران نیروی انتظامی که بخشی زیادی از آنان در محدوده شهر یا حومه شهر انجام وظیفه می کنند با محیط بانان که در مناطق بکر طبیعت حضور دارند فرق دارد. در چنین مناطقی معمولاً افراد اندکی وارد می شوند و اغلب این افراد (شکارچیان) حامل سلاح گلوله زنی با فشنگ های جنگی هستند و به علت اینکه تعداد محیط بانان نسبت به وسعت مناطق کم است، ممکن است آن محیط بان به تنهایی در آن محل از منطقه حفاظت شده یا پارک ملی حضور داشته باشد. بنابراین می بایست قانون به گونه ای باشد که محیط بان بتواند ضمن انجام وظیفه و برخورد با متجاوزان به طبیعت، به نحو صحیح از سلاح استفاده نماید. این مشکلات و این عدم تطابق قانون با شرایط کاری

۶۶

محیط بانان می بایست در دسته مشاغل سخت قرار گیرد و درج آن در لایحه حمایت از محیط بانان الزامی است

۶۶

یکی دیگر از مشکلات محیط بانان عدم صدور کارت ضابطان دادگستری است که در مأموریت ها بسیار کاربرد دارد

قاضی در جایگاه متهم

گزارش نمایش و نقد فیلم «قاضی»

انجمن حقوق دانشگاه آزاد اسلامی در نهمین روز از اردیبهشت ۱۳۹۸ فیلم «قاضی» (The Judge) به کارگردانی «دیوید دایکین» را به نمایش گذاشت، این فیلم آمریکایی یک درام کمدی است که در اکتبر ۲۰۱۴ اکران شده است، داستان محاکمه یک قاضی به اتهام قتل است.

پس از نمایش فیلم، دکتر عباس شیخ الاسلامی و دکتر مجید شایگان فرد به نقد و بررسی آن پرداختند. دکتر شیخ الاسلامی اولین نکته آموزنده این فیلم را در حق دفاع همگانی دانست و افزود: حق دفاع یکی از حقوق همه انسان‌ها است. هر انسانی برای محکوم شدن ابتدا باید در دادگاه صالح محاکمه شود و لازمه این مرحله نیز داشتن حق دفاع است. وکلای یک متهم از جرم یا جنایت او دفاع نمی‌کنند، بلکه از حق دفاع متهم حمایت می‌کنند. البته در کشورهایی مثل فرانسه و آمریکا (که حقوق ما نیز نهاد سلب مصونیت قضایی را از آن‌ها اخذ کرده است) ابتدا طی روندی مصونیت قضایی قاضی را سلب می‌کنند و سپس در دادگاه ویژه‌ای به محاکمه شخص می‌پردازند. سؤال اینجا است که چرا فیلم به این بحث پرداخت و قاضی در همان محکمه‌ای که خودش قاضی بود، محاکمه شد؟ سؤال دیگر این است که چرا این قاضی بیشتر از ۳۰ سال و حتی در سن ۷۲ سالگی مشغول قضاوت بود؟ مخصوصاً در آمریکا که بر روی این مسائل حساسیت دارند و اصولاً پس از بازنشستگی به این اشخاص مناصب شکلی می‌دهند.

عضو هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری خراسان نکته جالب دیگر این فیلم را در عدم تعطیلی دادگاه کیفری در جنایات دانست و گفت: متأسفانه در نظام حقوقی ما دادگاه کیفری حتی در جنایات هم تعطیل می‌شود، در حالیکه در این فیلم دیدیم دادگاه فقط برخی اوقات تنفس می‌داد. حتی هنگامی که متهم بیمار شد، بلافاصله پس از بهبودش دادگاه تشکیل جلسه داد. در حالیکه در ایران مثلاً جلسه دادگاه به ساعت ۱۳:۳۰ که می‌رسد، قاضی می‌گوید بروید تا وقت بعدی را اعلام کنم... در آمریکا حتی هیأت منصفه حق متفرق شدن ندارند و آن‌ها را تا جلسه بعدی رسیدگی در جایی اسکان می‌دهند تا این اشخاص تحت تأثیر خانواده، جامعه و افکار عمومی قرار نگیرند.

دکتر شیخ الاسلامی اضافه کرد: در این فیلم نگاه و رویکرد فیلم‌نامه نویس نسبت به هیأت منصفه مثبت بود و بر خلاف فیلم «دوازده مرد خشمگین» که در جهت نفی نهاد هیأت منصفه بود، در این فیلم قضاوت هیأت منصفه امری لازم و عادلانه تلقی شده بود.

رئیس پیشین دانشگاه آزاد اسلامی به عنوان آخرین نکته به بحث شهادت در نظام کیفری آمریکا پرداخت. او اضافه کرد: در این فیلم متهم وقتی درباره صحنه حادثه صحبت می‌کرد از کلمه «شهادت» استفاده می‌شد. در حقوق این کشور شرح صحنه جرم توسط متهم شهادت است، در حالیکه در حقوق ایران این کار اقرار محسوب می‌گردد. در آمریکا و فرانسه شهادت یک تکلیف شهروندی است و در صورتی که شخصی شهادت خود را کتمان بکند (با وجود شروطی) به جرم کتمان شهادت محکوم می‌گردد. در قانون اساسی

و بعد از یک مرحله تحقیقاتی که توسط پلیس انجام می‌شود، پرونده به دادگاه می‌رود. البته فرق این نظام دادرسی با آن دادگاه‌های عمومی و انقلابی که از سال ۷۳ تا ۸۱ (دوره حذف دادسرا) در کشور ما حاکم بود در همین «هیأت منصفه» است که در این فیلم نیز به چشم می‌خورد. وجود این نهاد باعث می‌شود که اولاً همه چیز به شخص قاضی واگذار نشود و ثانیاً هیأت منصفه فرآیند دادرسی را به یک دادرسی کاملاً علنی تبدیل کند. بنابراین وجود اشخاصی در قامت هیأت منصفه باعث تعدیل قدرت قاضی می‌شود. این هیأت منصفه است که رأی به گناهکاری یا عدم گناهکاری متهم می‌دهد و نقش قاضی به تعیین میزان و نوع مجازات محدود می‌شود.

مدیرگروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی دلیل تأکید زیادش بر دوره حذف دادسرا در ایران را ضرورت عدم تکرار تاریخ دانست و اضافه کرد: از آنجا که ما ایرانیان زود تجربه‌هایمان را فراموش می‌کنیم باید از تاریخی که بر نظام حقوقی مان گذشته است، یاد کنیم.

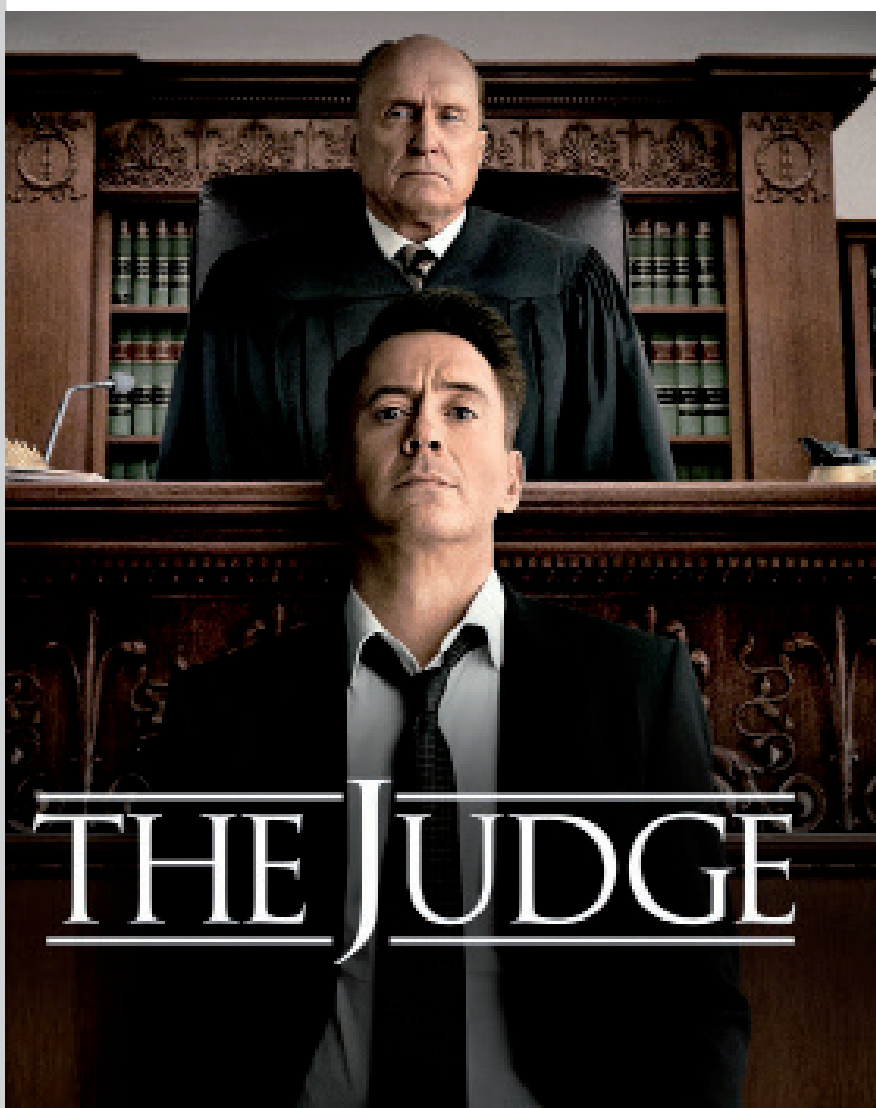
آمریکا اجبار شخص به شهادت علیه خودش ممنوع است و نه علیه دیگران. وی افزود: ما در نگارش قانون اساسی دچار اشتباه در ترجمه شدیم و اجبار به شهادت را به صورت مطلق ممنوع دانستیم؛ در حالیکه در قوانین کشورهای مذکور بین شهادت علیه خود و دیگری فرق گذاشته شده و فقط اجبار به شهادت علیه خود را ممنوع دانسته‌اند. لذا اجبار به شهادت علیه دیگری در اصل ۳۸ قانون اساسی ما ممنوع شناخته شده و در نتیجه کتمان شهادت در آیین دادرسی کیفری ایران جرم تلقی نمی‌شود. این جای تعجب دارد زیرا قرآن هم از کتمان شهادت با عنوان ظلم یاد کرده است.

سخنران دوم این جلسه دکتر شایگان فرد بود که با اشاره به دوران حذف دادسرا در ایران، گفت: با دیدن این فیلم یاد آن دوره بسیار خطرناک و ناامن افتادم که فاصله بین ارتکاب جرم و محکومیت بسیار کوتاه بود. در آن دوره، وکالت هم امر بسیار جانکاه و سختی شده بود؛ زیرا وکیل بود و یک جلسه دادرسی در مقابل قاضی دادگاه! باید چنین وکیلی بسیار آماده می‌بود تا بتواند قاضی را مجاب کند. همانطور که در این فیلم نیز دیدیم در نظام دادرسی مبتنی بر کامن لا مرحله دادسرا وجود ندارد

■ سید صادق اردوبادی

در آمریکا و فرانسه «شهادت» یک تکلیف شهروندی است و اجبار در شهادت فقط در شهادت علیه خود ممنوع است.

وجود هیأت منصفه فرایند دادرسی را به فرایندی علنی تبدیل می‌کند.





مصاحبه با سیدحسن حسینی فرماندار شهرستان بینالود (طرقه‌شان‌دیز)

«تهدید» سیلاب و «فرصت» رفع تصرف از حریم رودخانه‌ها

اگرچه به مدد وجود شبکه‌های اجتماعی وضعیت طرقه و شان‌دیز در زمان وقوع سیل توسط شهروندان رصد می‌شد، لیکن پس از آن که خشم رودخانه‌های شهرستان بینالود فرونشست، عملکرد مدیران مربوطه قابلیت بررسی دقیق‌تری پیدا کرد. از این رو به سراغ فرماندار شهرستان سیل‌زده بینالود رفتیم تا راجع به میزان خسارات، نحوه مدیریت منطقه و چگونگی جبران آسیب‌های رخ داده به گفتگو بنشینیم. «سیدحسن حسینی» ۴۰ ساله است که در سمت فرماندار این شهرستان انجام وظیفه می‌کند و با رویی گشاده پیشنهاد مصاحبه با ماهنامه «وکلا» را پذیرفت.

میزان خسارتی که شهرستان بینالود برآورد شده است؟

بله؛ در بخش باغات نزدیک به ۲۰ میلیارد تومان، بخش راه ۱۰ میلیارد تومان، در بخش تأسیسات برق نزدیک به ۹ میلیارد تومان، در بخش تأسیسات گاز حدود ۴۰ میلیون تومان، ۳۲ باب منزل (از ۳۰ تا ۱۰۰ درصد تخریب) ۲ میلیارد تومان، آب روستایی و شهری قریب به ۱ میلیارد تومان، آب منطقه‌ای ۲ میلیارد تومان، شهرداری طرقه‌شان‌دیز نیز ۷۰۰ میلیون تومان خسارت دیده است. با احتساب برخی خسارات دیگر، مجموع خسارت‌ها را نزدیک به ۵۰ میلیارد تومان برآورد کرده ایم.

فرمانداری برنامه‌ای جهت جبران خسارت‌هایی که به مردم وارد شده است دارد؟

ما تمام خسارت‌ها را به سیستم مدیریت بحران استان ارسال کرده‌ایم تا پیگیری کنند. هر مبلغی را آن نهاد بتواند از ستاد بحران کشوری بگیرد و به ما بدهد برای جبران خسارت مردم در نظر می‌گیریم. منتهی از آنجایی که در استان‌های دیگر خسارات هنگفتی وارد شده است ممکن است ما در اولویت‌های ابتدایی نباشیم.

متأسفانه الان در طرقه و شان‌دیز تا لب رودخانه خانه‌سازی شده و ارگان‌های ذیربط نتوانسته‌اند جلوی این تجاوزات به حریم و بستر رودخانه‌ها را بگیرند.

از چه زمانی این تجاوزات به حریم و بستر رودخانه‌ها شروع شد؟

از قبل از انقلاب و در واقع از هنگامی که آبادی به این منطقه آمد، هیچ‌گونه کنترلی وجود نداشته است. البته اخطارهایی به افراد می‌دادند اما به صرف یک اخطار که کسی عقب نمی‌نشیند. عمده خسارتی که افراد متحمل شدند نیز ناشی از تجاوز به حریم و بستر رودخانه بوده است.

در مورد روستاهای دیگر شهرستان وضعیت چگونه بود؟

تخریب منزل خیلی کم بود و بیشتر راه‌های باغی خراب شده است. خود روستائیان الان دارند این راه‌ها را تعمیر می‌کنند. قرار شد تا فرمانداری نیز اگر توانست و بودجه‌ای از محل ستاد بحران دریافت کرد، به ایشان نیز بدهد.

حجم سیل و سیلاب در بینالود در حدی بود که بشود آن را بحران تلقی کرد؟

بارندگی در شهرستان ما از روز اول فروردین شروع شد و تا ۲۵ فروردین کل حجم بارندگی‌ها در این شهرستان ۹۰ میلیمتر بود. چنین بارندگی‌ای البته خیلی زیاد نیست اما در ۱۶ فروردین حجم بارندگی ۲۲ میلیمتر بود و روز بعد از آن هوا گرم شد و به ۲۵ درجه سانتیگراد رسید. همین دو عامل باعث آب شدن برف‌های کوه‌های بینالود شد که منجر به طغیان تمام هفت رودخانه شهرستان گردید. بیشتر راه‌های مجاور این رودخانه‌ها شسته شد و خسارت دید. اما در مورد رودخانه زشک به سبب جاده‌ای که در کنار رودخانه ساخته شده است و پل‌های احداث شده بر روی آن آب از داخل بستر رودخانه فراتر رفت و وارد جاده و خانه‌های مردم شد. سه مقطع از جاده آسفالت را آب به‌طور کامل برد و ده خانه خسارت دید. همچنین چند عدد از پل‌های درمسیر رود را نیز تخریب کرد و با خود برد.

تا الان حدود ۶۰ پل را جمع یا تخریب کرده‌ایم تا دیگر جلوی مسیر حرکت آب گرفته نشود. بنا داریم تا در هر دو طرف رودخانه‌های موجود در شهرستان را معبر بکشیم و البته پل‌های استاندارد نیز با فواصل مشخصی بسازیم.



■ سیدسبحان
هوشیار امامی

۶۶

متأسفانه در طبقه و
شانديز تا لب رودخانه
خانه‌سازی شده و
ارگان‌های ذيربط
نتوانسته‌اند جلوی
این تجاوزات به حریم
و بستر رودخانه‌ها را
بگیرند

۶۶

متولی اصلی مهندسی
رودخانه شرکت آب
منطقه‌ای است و
فرمانداری یک دستگاه
تسهیل‌گر و پشتیبان
است.



بله تمام مرخصی‌ها لغو شد و هیچ غایبی نداشتیم. تمام اعضا ظرف ۲۰ دقیقه در جلسه مدیریت بحران جمع می‌شدند. این عملکرد مورد تحسین هم قرار گرفت. در سیل شهرستان هیچ خسارت جانی رخ نداد و در لحظه خطر همه مسیرها به سمت ییلاقات را بر روی گردشگران می‌بستیم. حضور مستمر نیروهای انتظامی جهت مسدود کردن ورودی‌ها و اطلاع‌رسانی گسترده دو عاملی بود که جلوی تلفات جانی را گرفت. آقای نصرپور (مدیریت صدا و سیما) خراسان رضوی) پس از هر بار تماس بنده تمام آنتن‌های صدا و سیما را در جهت اطلاع‌رسانی در اختیار ما می‌گذاشت. که این جای تشکر دارد.

صاحبان حرف و مشاغل چه میزان خسارتی دیدند؟

آمار دقیقی در این زمینه نداریم اما خودشان می‌گویند که فروش‌شان به نصف و زیر نصف کاهش پیدا کرده بود.

نمی‌شد، شاید نزدیک به ۵۰ یا ۶۰ میلیارد تومان نیاز باشد تا ما بتوانیم به طور کامل این رودخانه ۲۴ کیلومتری را ایمن‌سازی کنیم. تمام طول رودخانه ساخت‌وساز شده است و رفع تعرضات کار سختی است.

بالاخره چنین انتقادی به شما وارد است که اگر پیشگیری می‌شد...

شما ببینید؛ در یک دوره‌ای شخصی به نام دکتر احمدی نژاد می‌آید و می‌گوید هرکس هر جا دلش خواست بسازد. به مردم کاری نداشته باشید و بگذارید آزاد باشند یا می‌گفت به هرکسی هزار متر بدهید تا برود باغی درست کند و لذت ببرد. در این جا فرماندار می‌خواهد چه کار کند؟ اصلاً ۸ سال پیشگیری در این زمینه‌ها تعطیل بود و ساخت‌وسازهای بی‌رویه و حشتناک در همه جا رخ داد. فرماندار هم در چنین شرایطی می‌گوید وقتی رئیس جمهور مملکت موافق است، چرا من کاسه داغ‌تر از آش بشوم...

در هنگام وقوع سیل تمام مسئولین تحت نظر شما در منطقه بودند؟

چه مقدار پل یا سازه غیر مجاز تخریب و جمع‌آوری شد؟؟

حدود ۶۰ عدد پلی که تجاوز به بستر رودخانه کرده بودند تخریب شدند. برخی را سیل خراب کرده بود. برخی دیگر را سیل نا ایمن کرده بود که ما مجبور به تخریبشان شدیم. برخی دیگر هم که جلوی جریان آب را گرفته بودند، تخریب کردیم. البته تمام این پل‌ها با دستور دادستان تخریب شدند.

اگر تأییدیه‌ای از آب منطقه‌ای داشت چه؟

اگر کسی تأییدیه‌ای از آب منطقه‌ای داشته باشد، خود آب منطقه‌ای باید خسارت این شخص را تأمین کند، چون دادستان از روی ضرورت دستور به تخریب داده است. ما به همه افرادی که تا الان مراجعه کرده و گفته‌اند که متضرر شده ایم، گفتیم مجوز یا مدرکی بیاورید دال بر اینکه پل متعلق به شماست و مجوز داشته‌اید. تا الان کسی مدرکی نیاورده و بعید است که چنین مدرکی داشته باشند.

البته ما یکی از ادعاها و اعتراضاتمان همین است که گویا آب منطقه‌ای به برخی در ناحیه بستر یا حریم رودخانه با یک سری سازوکارهایی مجوز داده است. خود همان‌ها نیز این پیش‌بینی را نداشته‌اند که سیل دوره بازگشت دارد و در هنگام بازگشت همه چیز را در سر راهش تخریب می‌کند.

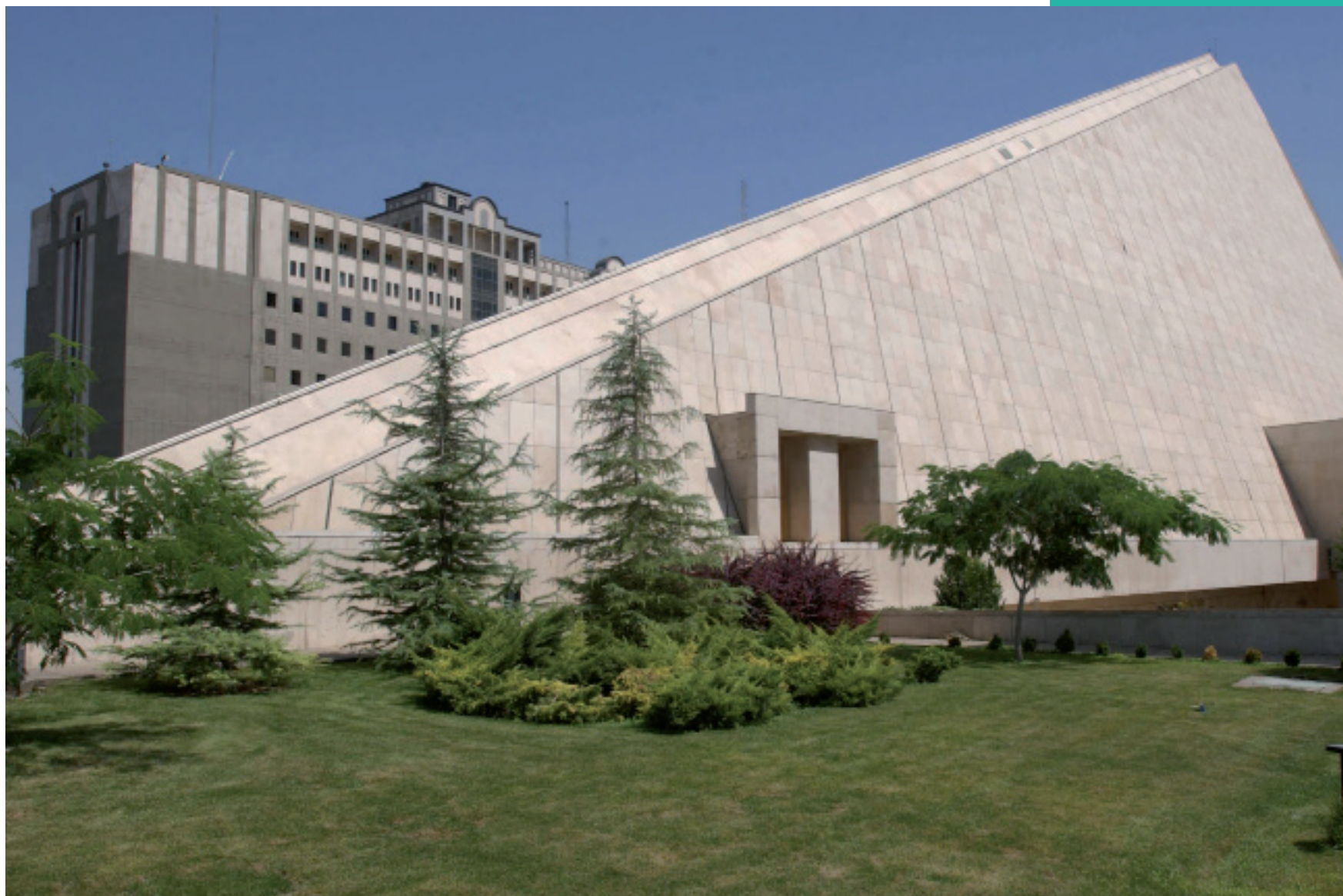
به‌هر حال این پل‌ها قبل از سیل وجود داشتند، چرا فرمانداری قبل از وقوع سیل به امن‌تر کردن بستر رودخانه نپرداخت یا در راستای جمع‌آوری و تخریب پل و منازل متجاوز اقدامی انجام نداد؟

متولی اصلی مهندسی رودخانه شرکت آب منطقه‌ای است و فرمانداری یک دستگاه تسهیل‌گر و پشتیبان است. ما در این موارد یک دستگاه حمایت‌گر هستیم و پشتیبان نهادهایی هستیم که می‌خواهند قانون را اجرا نکنند. ما یک دستگاه اجرایی نیستیم. بلکه یک دستگاه حاکمیتی هستیم.

ما کارگروهی داریم به نام کارگروه «حفاظت آب» و کارگروهی نیز داریم به نام «سیل و مخاطرات سیل». دبیر هر دو این‌ها آب منطقه‌ای است. البته آب منطقه‌ای اینجا با مشهد، چناران و فریمان مشترک است. این کارگروه‌ها مرتب تشکیل جلسه داده‌اند و ما تصمیماتی نیز برای پاکسازی حریم و بستر رودخانه زشک داشته‌ایم. ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان اعتبار برای این کار در نظر گرفتیم که از ناحیه «چشمه قلقلی» به سمت پایین بیایند و حریم و بستر را رفع معارض کنند. سپس معبری در دوطرف ایجاد نمایند. این در دستور کار بوده لیکن به دلیل عدم تخصیص اعتبارات و همچنین اولویت‌های مهمتر آب منطقه‌ای (مانند سد ارداک و کشف رود) اقدام برای رودخانه زشک به تعویق افتاد تا این‌که منجر به سیل شد. همین سیل یک فرصت شد؛ زیرا خودش خیلی از معارضات را از بین برده است. نباید گذاشت دوباره معارضات برگردد. امیدواریم آب منطقه‌ای بتواند از این فرصت استفاده بکند؛ زیرا به لحاظ ذهنی و اجتماعی شرایط مهیا است.

اگر این اقدامات پیش از وقوع سیل انجام می‌شد، چقدر از این ۵۰ میلیارد خسارت کاهش پیدا می‌کرد؟

دیگر خسارتی واقع نمی‌شد. البته صرفاً با ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان همه برنامه‌ها اجرا



طرح اسکودا «برای اصلاح برخی از قوانین وکالت»

پس از وصول طرح «آموزش و پذیرش وکالت» به مجلس شورای اسلامی که مورد مخالفت شدید کانون‌های وکلای دادگستری قرار گرفت، ایده تهیه طرحی برای اصلاح قوانین مرتبط با وکالت با مشارکت وکلا شکل گرفت. در همین راستا در سی‌امین همایش سراسری اسکودا در شهرکرد (اردیبهشت ۹۷) مصوب شد تا پیشنهادات ارائه شده در خصوص قوانین مرتبط با وکالت، در قالب طرحی منسجم تهیه و از طریق نمایندگان به مجلس ارائه گردد. بر این اساس کارگروهی تشکیل و طرحی را با جلب نظر کانون‌های وکلای دادگستری کشور تهیه کرد. نهایتاً این طرح با عنوان «طرح اصلاح برخی از قوانین راجع به وکالت دادگستری» با ۱۱۶ امضا در جلسه علنی روز ۲۸ خرداد ۱۳۹۸ مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شد.

طرح اصلاح برخی از قوانین راجع به وکالت دادگستری

مبحث اول. قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری

ماده ۱. ماده (۱) قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶/۱/۱۷ و تبصره آن به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۱. از تاریخ تصویب این قانون کانون‌های وکلای دادگستری مکلفند حداقل یک بار در سال رأساً و یا با اعطای نمایندگی نسبت به پذیرش متقاضیان پروانه کارآموزی وکالت صرفاً از طریق آزمون ورودی یا آگهی در جراید اقدام نموده و حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از برگزاری

آزمون ضمن اعلام نتایج قطعی نسبت به صدور پروانه کارآموزی وکالت برای پذیرفته‌شدگان اقدام نمایند.

اسامی قبول‌شدگان و نتایج آن بر اساس نمره و رتبه کسب شده در آزمون توسط کانون منتخب داوطلب اعلام می‌شود. برای شرکت در آزمون ورودی داشتن دانشنامه کارشناسی پیوسته حقوق یا کارشناسی ارشد پیوسته حقوق و یا فقه و مبانی حقوق اسلامی مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دارا بودن حداقل بیست و پنج سال سن الزامی است. هرگونه پذیرش خارج از ضوابط این قانون ممنوع است.

تبصره. تعیین تعداد کارآموزان وکالت مورد نیاز برای هر کانون با توجه به جمعیت استان، تعداد

شعب و پرونده‌های جرایمی دادگاه‌ها و دادسراها، تعداد وکلا و امکانات آموزشی دادگستری و کانون مربوط بر عهده کمیسیونی متشکل از رئیس کل دادگستری استان، رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب و رئیس کانون وکلای استان می‌باشد که به دعوت رئیس کانون وکلا حداقل یک بار در سال تشکیل و اتخاذ تصمیم می‌نماید. تعیین ظرفیت در پنج سال نخست اجرای این قانون به‌نحوی خواهد بود که در مجموع هر سال ده درصد (۱۰٪) به تعداد کارآموزان وکالت به نسبت سال ۱۳۹۷ اضافه شود.

ماده ۲. یک تبصره به عنوان تبصره (۶) به ماده (۲) قانون الحاق می‌شود:
تبصره ۶. مطالبه هرگونه وجهی در خصوص صدور

پروانه وکالت و کارآموزی و یا تمدید سالانه آن و منوط کردن صدور و یا تمدید پروانه به پرداخت وجوهی غیر از آنچه که به وسیله کانون ها تصویب شده است ممنوع می باشد.

ماده ۳. بند «ب» ماده (۴) قانون به شرح زیر اصلاح می شود:

ب. اعضای هیأت مدیره کانون از بین واجدین شرایط با داشتن حداقل ده سال سابقه وکالت و یا شش سال سابقه وکالت و چهار سال قضاوت برای سه سال با رأی مخفی انتخاب می شوند.

ماده ۴. متن زیر به عنوان ماده (۴) مکرر به قانون الحاق می گردد:

ماده ۴ مکرر. هیأت مدیره کانون وکلا حداقل پنج ماه به انقضای هر دوره از بین وکلایی که دارای شرایط عضویت در هیأت مدیره باشند پنج نفر به عنوان عضو اصلی و دو نفر به عنوان عضو علی البدل با رأی مخفی و خارج از هیئت مدیره که داوطلب عضویت در انتخابات هیأت مدیره نباشند، به عنوان اعضای هیأت نظارت انتخاب می نماید. هیأت نظارت بلافاصله پس از انتخاب، به ریاست مسن ترین عضو تشکیل و رئیس هیأت نظارت را انتخاب می نماید. در استان هایی که کانون وکلا تشکیل نشده است، تعیین اعضای هیأت نظارت با کانونی خواهد بود که از آن جدا می شود.

تبصره ۱. هیأت نظارت پس از احراز شرایط شکلی، نسبت به استعلام سوابق داوطلبان از وزارت اطلاعات و در مورد قضات و کارمندان سابق قوه قضاییه علاوه بر آن از مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه اقدام می نماید. مراجع مذکور مکلفند ظرف چهل و پنج روز، به استعلام های مذکور کتباً پاسخ دهند. در صورت ابهام یا عدم وصول پاسخ، هیأت نظارت بر انتخابات مکلف است نسبت به تجدید استعلام برای یک بار دیگر با تعیین مهلت پانزده روزه از تاریخ وصول نامه اقدام کند. با انقضای مواعد مقرر و عدم وصول پاسخ، نتیجه استعلام مثبت تلقی شده و هیأت مزبور در خصوص صلاحیت داوطلبان اتخاذ تصمیم خواهد نمود. به پاسخ های واصله پس از انقضای مهلت های مقرر ترتیب اثر داده نمی شود.

تبصره ۲. هیأت نظارت حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ وصول پاسخ استعلام ها، شرایط داوطلبان عضویت در هیأت مدیره را با مقررات وکالت انطباق داده و تصمیم خود را در مورد صلاحیت داوطلبان به کانون متبوع و رئیس کل دادگستری استان ابلاغ می نماید.

تبصره ۳. در صورت احراز یا عدم احراز صلاحیت داوطلب توسط هیأت نظارت بر انتخابات کانون، رئیس کل دادگستری استان مربوط و داوطلب رد صلاحیت شده حق دارند، ظرف مهلت ده روز پس از ابلاغ تصمیم هیأت نظارت به دادگاه عالی انتظامی قضات اعتراض کنند. دادگاه مکلف است داوطلب را برای ارائه دفاعیات دعوت و تا پانزده روز قبل از زمان انتخابات کانون، نسبت به اعتراض رسیدگی و رأی مقتضی را صادر و اعلام نماید. در غیر این صورت احراز صلاحیت داوطلبان بر اساس نظر اعلامی هیئت نظارت بر انتخابات کانون بوده و پس از این مدت به نظرات واصله ترتیب اثر داده نمی شود. تصمیم هیأت نظارت و رأی صادره از دادگاه صرفاً ناظر بر انتخابات همان دوره می باشد.

ماده ۵. تبصره (۴) ماده (۶) قانون به شرح زیر اصلاح می گردد.

تبصره ۴. صدور پروانه و اشتغال به وکالت برای متقاضیان دارای رتبه قضائی در حوزه کانون محل یا محل های سه سال آخر خدمت آنان ممنوع است. قضات دیوان عالی کشور، دادگاه عالی انتظامی قضات و دیوان عدالت اداری در صورتی

که سه سال آخر خدمت آنان در مراجع پایین تر نباشد، از حکم این ماده مستثنی می باشند و حسب مورد از وکالت در مراجع محل خدمت سه سال آخر خود ممنوع می باشند. تخلف از این حکم با لحاظ تعدد و تکرار مستوجب مجازات های انتظامی درجه ۴ تا ۶ خواهد بود.

مبحث دوم. لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری

ماده ۶. ماده (۲) لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۲/۱۲/۵ به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به عنوان تبصره (۲) به آن الحاق می گردد:

ماده ۲. کانون وکلای هر محل به وسیله هیأت مدیره اداره می شود. تعداد اعضای هیأت مدیره برای کانون های تا دو هزار نفر وکیل، پنج عضو اصلی و دو عضو علی البدل و برای کانون های بیش از دو هزار تا پنج هزار نفر، هفت عضو اصلی و سه عضو علی البدل و برای کانون های بیش از پنج هزار نفر تا ده هزار نفر، نه عضو اصلی و چهار عضو علی البدل و برای کانون های بالاتر از ده هزار نفر، سیزده عضو اصلی و پنج عضو علی البدل خواهد بود. اخذ رأی برای اعضای اصلی انجام می شود. حائزین بیشترین آراء پس از اعضای اصلی عضو علی البدل هیات مدیره محسوب خواهند شد. جلسات هیات مدیره با حضور اعضای اصلی تشکیل می شود و جلسات با حضور اکثریت اعضا رسمیت یافته و تصمیمات با رأی اکثریت حاضران اتخاذ می گردد.

تبصره ۱ - حضور اعضاء علی البدل در جلسات هیأت مدیره بلامانع است. اعضاء علی البدل به ترتیب تعداد آرائی که در جریان انتخابات کسب کرده اند در صورتی حق شرکت در مذاکرات و حق رأی دارند که تعداد اعضاء اصلی برای رسمیت جلسه کافی نباشد.

ماده ۷. یک ماده به شرح زیر به عنوان ماده (۲) مکرر به لایحه الحاق می شود:

ماده ۲ مکرر. برنامه ریزی، هماهنگی و سیاست گذاری واحد در امور اجرایی کانون های وکلای دادگستری از طریق اتحادیه سراسری کانون های وکلای دادگستری انجام می شود. کانون های وکلای دادگستری و اتحادیه از پرداخت مالیات معاف می باشند.

ماده ۸. ماده (۷) لایحه به شرح زیر اصلاح می شود:

ماده ۷. از تاریخ تصویب این قانون، مدت کارآموزی حداقل ۱۸ ماه است و در این مدت کارآموزان ضمن شرکت در جلسات رسیدگی مراجع قضایی و دوره های آموزشی، تحت نظر وکیل سرپرست انجام وظیفه می کنند. کارآموزان در یک سال اول حق قبول وکالت ندارند لیکن در ۶ ماه آخر دوره کارآموزی تحت نظارت وکیل سرپرست می توانند قبول وکالت کنند. ضوابط انجام کارآموزی با پیشنهاد کانون وکلای دادگستری مرکز و توسط هیأت عمومی اتحادیه کانون های وکلای دادگستری تعیین می گردد. تبصره. دادگستری استان ها مکلفند امکان حضور کارآموزان را حداقل ۴ جلسه در ماه در جلسات رسیدگی فراهم نمایند.

ماده ۹. ماده (۸) لایحه به شرح زیر اصلاح می شود:

ماده ۸. اشخاص زیر برای پروانه وکالت پایه یک از معافیت های مندرج در بندهای ذیل برخوردار خواهند بود:

الف. قضاتی که دارای دانشنامه لیسانس حقوق و یا فقه و مبانی حقوق اسلامی بوده به شرط دارا بودن حداقل ۱۵ سال سابقه کار قضایی از شرکت در آزمون ورودی و دوره کارآموزی و اختبار. ب. کسانی که پس از دریافت دانشنامه لیسانس

حقوق یا فقه و مبانی حقوق اسلامی یک دوره کامل نمایندگی مجلس شورای اسلامی را گذرانده باشند از شرکت در آزمون ورودی.

تبصره ۱. اعطای پروانه وکالت به اشخاص موضوع بند «الف» منوط است به عدم اشتغال به فساد اخلاق (سوء شهرت)، عدم سلب صلاحیت قضایی و عدم محکومیت انتظامی درجه ۸ و بالاتر موضوع قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷.

تبصره ۲. نحوه پذیرش افراد مذکور در این ماده به تناسب ظرفیت و نیاز به تشخیص هیأت مدیره کانون هر استان خواهد بود.

تبصره ۳. صدور پروانه و ادامه اشتغال به وکالت مشمول قانون ممنوعیت به کارگیری بازنشستگان مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی آن می باشد.

ماده ۱۰. متن زیر به عنوان ماده (۱۴) مکرر به لایحه الحاق می گردد

ماده ۱۴ مکرر. مجازات های انتظامی منحصر به موارد زیر است:

۱. توبیخ کتبی بدون درج پرونده
۲. توبیخ کتبی با درج در پرونده.
۳. توبیخ با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون.
۴. ممنوعیت از وکالت سه ماه تا دو سال
۵. ممنوعیت از وکالت دو سال تا شش سال.
۶. محرومیت دائم از شغل وکالت.

ماده ۱۱. ماده ۲۰ لایحه به شرح زیر اصلاح می گردد:

ماده ۲۰. وکیل در مقام انجام وظایف وکالتی، از احترام و تأمینات شاغلین شغل قضاء برخوردار می باشد و تضمینات قانونی مربوط در این مورد نیز جاری است و همچنین نمی توان وی را به مناسبت اظهاراتی که در مقام دفاع می نماید تعقیب نمود. هر کس به وکیل دادگستری در حین انجام وظیفه وکالتی و یا به سبب آن توهین کند به مجازات مقرر برای توهین به قضات محکوم خواهد شد. مقامات اجرایی، قضایی و انتظامی مکلفند شرایطی را فراهم کنند که وکیل دادگستری بتواند وظایف حرفه ای خود را بدون هرگونه مانع یا محدودیتی انجام دهد و از وی در مقابل تهدیدات جانی و روانی حمایت نمایند.

مبحث سوم. قانون تشکیل صندوق حمایت وکلای کارگشایان دادگستری

ماده ۱۲. ماده (۵) قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری مصوب ۱۳۵۵/۱۰/۲۹ به شرح زیر اصلاح می شود:

ماده ۵. منابع مالی صندوق حمایت از وکلای دادگستری به شرح زیر است:

۱. حق بیمه ای که وکلا و کارآموزان وکالت به صندوق می پردازند.
۲. سود حاصل از سپرده گذاری وجوه صندوق نزد بانک یا بانک های مورد تایید مجمع عمومی صندوق.
۳. نصف تمیر مالیاتنی الصافی به وکالت نامه که باید توسط وکلا و کارآموزان عضو صندوق پرداخت شود. سهم دریافتی در پایان هر ماه به حساب صندوق واریز می شود؛

۴. کمک ها و هدایایی که از طرف اشخاص حقیقی یا حقوقی به صندوق داده می شود.
۵. وجوه حاصل از سرمایه گذاری درآمد خالص سالانه.
۶. سه درصد کمک دولت موضوع اصل ۲۹ قانون اساسی

تبصره - صندوق با تصویب مجمع عمومی می تواند حداکثر تا پنج درصد از سرمایه موجود را ظرف مدت ۵ سال از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون و بیست درصد درآمد خالص سالانه خود را از طریق تأسیس شرکت، سرمایه گذاری کند.

■ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران



■ طرح «پذیرش و آموزش وکالت»



محل اشتغال مندرج در مجوز خود به کانون‌های استان‌های مربوط ملحق و تحت نظر کانون‌های استانی قرار می‌گیرند.

تبصره. اتخاذ تصمیم و نحوه اقدام در مورد کسانی که پس از انقضای برنامه سوم توسعه از مرکز مشاوران حقوقی قوه قضائیه پروانه دریافت کرده‌اند به موجب آیین‌نامه‌ای است که توسط نمایندگان قوه قضائیه و دولت و کانون‌های وکلای دادگستری تهیه و به تصویب هیأت‌وزیران می‌رسد.

ماده ۲۳. قوه قضائیه مکلف است از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون حداکثر تا شش ماه نسبت به انتقال پرونده تمامی مشاورانی که از آن قوه پروانه دریافت نموده‌اند به کانون استان محل پذیرش اقدام نماید. اموال منقول و غیرمنقول و وجه ناشی از دریافت حق عضویت و سایر درآمدهای مرکز در ارتباط با مشاورین حقوقی به کانون‌های مربوط منتقل می‌شود. حق استفاده از آن بخش از اموال قوه قضائیه و هر آنچه جهت اداره امور مشاوران در تصرف آنها قرار دارد تا پانزده سال بلاعوض در اختیار کانون‌های استانی محل استقرار متصرفات مزبور قرار می‌گیرد. با اتمام عملیات انتقال، بخش مربوط به مرکز مشاوران حقوقی قوه قضائیه منحل می‌گردد.

تبصره ۱. دولت مکلف است جهت الحاق مرکز امور مشاوران قوه قضائیه در کانون‌های وکلای دادگستری بار مالی لازم را در لایحه بودجه پیش‌بینی نماید.

تبصره ۲. تأدی و تسویه دیون و ایفای تعهدات مرکز مشاوران به عهده قوه قضائیه است و کانون‌های وکلای مسئولیتی در قبال موارد مذکور نخواهند داشت.

ماده ۲۴. وکیل می‌تواند در ارتباط با وظایفی که ماهیت قضایی ندارد از قبیل ثبت دادخواست، لایحه، وکالت‌نامه، اظهارنامه و انجام سایر امور مربوط به پیگیری اداری پرونده‌های وکالتی از فارغ‌التحصیلان حقوق استفاده نماید. افراد مذکور با معرفی‌نامه وکیل عهده‌دار انجام امور محوله خواهند بود. وکیل باید بر اعمال این افراد نظارت کند و در هر حال نسبت به خسارات ناشی از تصمیمات آنها مسئولیت دارد. حکم این ماده مانع از اقامه دعوی وکیل علیه وی نیست.

ماده ۲۵. تأسیس و ثبت هر نوع شرکت یا تشکیلاتی تحت عنوان انجمن یا مؤسسه حقوقی یا داوری یا سایر عناوینی که موضوع آن انجام امور وکالت و یا استفاده از وکلای دادگستری است و ارائه هرگونه مشاوره حقوقی یا هر نوع عملی که مستلزم دخالت وکیل دادگستری باشد تنها توسط دو یا چند وکیل دادگستری در محل اشتغال مذکور در پروانه وکالت و صرفاً پس از اخذ مجوز از کانون متبوع امکان‌پذیر است. مؤسسات یا شرکت‌های موجود باید ظرف شش ماه از تصویب این قانون، خود را با مقررات این قانون تطبیق دهند در غیر اینصورت مجوزهای صادره باطل و از درجه اعتبار ساقط است. شرایط و نحوه صدور مجوز برای تأسیس و ثبت شرکت‌ها و مؤسسات مذکور حداکثر شش ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون به پیشنهاد مشترک اتحادیه کانون‌های وکلای دادگستری و کانون وکلای دادگستری مرکز به تصویب وزیر دادگستری می‌رسد.

ماده ۲۶. دولت و دستگاه‌های ذیربط مکلف هستند نسبت به تخصیص و اعلام شناسه ملی برای کانون‌های وکلای دادگستری اقدام نماید.

مبحث پنجم. احکام متفرقه

ماده ۱۷. کانون‌های وکلای دادگستری مکلفند شرایط آموزش تخصصی و ارتقا و به روز رسانی دانش حقوقی وکلای را فراهم نمایند. تمدید پروانه وکالت منوط به طی دوره‌های آموزشی است که کانون مربوطه تعیین می‌نماید. استفاده وکلای از عناوین تخصصی منوط به احراز شرایط مقرر توسط کانون مربوطه است.

ماده ۱۸. بیمه مرکزی ایران مکلف است موجبات استفاده همگان را از بیمه خدمات وکالتی فراهم نمایند. نحوه تنظیم بیمه‌نامه، تعهدات بیمه‌گزار و بیمه‌گر و نحوه استفاده از خدمات وکالتی در بیمه وکالت و سایر مقررات این امر به موجب آیین‌نامه‌ای است که حداکثر ظرف یک سال پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون بر اساس قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ و مقررات این قانون و سایر قوانین مرتبط با پیشنهاد مشترک بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران و کانون وکلای دادگستری مرکز به تصویب شورای عالی بیمه می‌رسد.

ماده ۱۹. وکالت دادگستری در کلیه دعاوی اصلی و طاری قابل طرح نزد مراجع قضائی توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی دولتی (موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۷)، تعاونی و خصوصی در تمام مراحل رسیدگی، اجباری است مگر در موارد زیر:

مطالبه وجه با مبلغ کمتر از پانصد میلیون ریال.

مطالبه ارز و مسکوکات با مبلغ کمتر از پانصد میلیون ریال.

گزارش اصلاحی و طلاق توافقی.

دعاوی راجع به امور حسبی به استثنای حجر. دعاوی تقابل مرتبط با بندهای مذکور دعاوی غیرمالی به غیر از وقف، حبس، ثلث، تولیت و تخلیه یا اعیان تجاری.

تبصره. دعاوی که خواسته آن در مرحله بدوی تقویم نگردیده و یا در اثنای رسیدگی معلوم شود بهای خواسته بیش از ۵۰۰ میلیون ریال است، با معین شدن بهای خواسته ادامه رسیدگی در دادگاه منوط به معرفی وکیل است.

ماده ۲۰. افرادی که به تشخیص کانون یا مرجع قضائی از توانایی انتخاب وکیل برخوردار نیستند از خدمات معاضدت قضائی طبق مقررات مربوط بهره‌مند خواهند شد.

ماده ۲۱. در اجرای اصل ۳۵ قانون اساسی به‌منظور توسعه معاضدت قضائی و فراهم کردن امکان برخورداری اشخاصی که توانایی مالی انتخاب وکیل را ندارند صندوق معاضدت قضائی تأسیس می‌گردد. منابع مالی این صندوق عبارتند از ده درصد از هزینه دادرسی در دعاوی مالی و غیرمالی و سایر اقداماتی که مستلزم پرداخت هزینه دادرسی است، کمک دولت و هدایای سایر اشخاص حقیقی و حقوقی که صرفاً برای پرداخت حق‌الوکاله معاضدتی هزینه خواهد شد حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون آیین‌نامه نحوه ارایه خدمات صندوق و شرایط بهره‌مندی از آن به پیشنهاد مشترک اتحادیه کانون‌های وکلای دادگستری مرکز به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید. اساسنامه صندوق نیز توسط اتحادیه کانون‌های وکلای دادگستری مرکز تهیه و پس از تأیید وزیر دادگستری به تصویب هیأت‌وزیران خواهد رسید.

ماده ۲۲. افرادی که در مدت اعتبار ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹ از قوه قضائیه مجوز دریافت نموده‌اند بر اساس

ماده ۱۳. متن زیر جایگزین ماده (۸) قانون و تبصره آن می‌شود:

ماده ۸. نرخ حق بیمه موضوع ماده ۸ قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری ماهیانه معادل ۱۲ درصد است که تماماً بوسیله بیمه شده پرداخت می‌شود. دولت نیز مکلف است معادل ۳ درصد نرخ حق بیمه را در لایحه بودجه سالیانه پیش‌بینی و به صندوق پرداخت کند. صندوق می‌تواند با تصویب مجمع عمومی تمهیدات لازم را برای استفاده وکلا و کارآموزان از پوشش‌های بیمه‌ای مناسب فراهم نماید.

متبصره ۱. وکلا و کارآموزان وکالت مکلفند به هنگام ابطال تمیز مالیاتی نصف آنچه بابت مالیات طبق قانون مالیات‌های مستقیم تمیز به وکالت‌نامه الصاق می‌کنند به حساب صندوق حمایت واریز و همچنین معادل همین مبلغ به‌منظور تأمین هزینه‌های کانون‌های وکلای دادگستری به حساب کانون مربوط پرداخت نمایند. همین حکم نسبت به حق المشاوره و حق‌الوکاله مقطوع دریافتی نیز جاری است.

تبصره ۲. دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و سایر اشخاص حقوقی که با وکلا قرارداد حق‌الوکاله و حق‌المشاوره منعقد نموده‌اند و همچنین وکلای دادگستری مکلفند حداکثر ظرف مدت یک ماه پس از انعقاد، قرارداد را به کانون مربوط ارسال نمایند. تخلف از انجام این وظیفه از جانب وکلای دادگستری مستوجب محکومیت انتظامی درجه ۴ است و در مورد مقامات و دستگاه‌های موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری موجب محکومیت به مجازات اداری طبق قانون رسیدگی به تخلفات اداری می‌شود.

ماده ۱۴. متن زیر به عنوان ماده ۱۲ مکرر به قانون الحاق می‌شود:

ماده ۱۲. مشمولان ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ که در اجرای این قانون به کانون‌های وکلای دادگستری ملحق می‌شوند، چنانچه عضو صندوق بازنشستگی دیگری باشند در صورت تمایل می‌توانند سوابق خود را با پرداخت مابه‌التفاوت حق بیمه به نرخ روز به صندوق منتقل نمایند و چنانچه عضو صندوق دیگری نباشند مکلفند ظرف یکسال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون جهت عضویت در صندوق اقدام نمایند. تمدید پروانه وکالت برای افراد مزبور منوط به تعیین تکلیف عضویت آنان در صندوق است.

ماده ۱۵. ماده ۱۵ قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۱۵. وکلا می‌توانند با دارا بودن ۳۰ سال سابقه وکالت و پرداخت حق بیمه با دارا بودن حداکثر ۱۰ سال سابقه وکالت و ۷۰ سال سن و پرداخت حق بیمه و به ترتیب مقرر در آیین‌نامه، تقاضای بازنشستگی نمایند.

مبحث چهارم: قانون وکالت

ماده ۱۶. ماده ۵۵ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵/۱۱/۲۵ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

وکلائی معلق و اشخاص ممنوع-الوکاله و به طور کلی هر شخصی که دارای پروانه وکالت نباشد از هرگونه تظاهر و مداخله در امر وکالت ممنوع است اعم از اینکه عناوینی از قبیل مشاور حقوقی و غیره اختیار کند و یا اینکه در قالب تأسیس دفتر یا گروه یا مؤسسه و شرکت حقوقی، تظاهر به وکالت یا مشاوره حقوقی یا مداخله در این امور نماید و یا از طریق شرکت و سایر عقود یا عضویت در مؤسسات خود را اصل در دعوی قلمداد کند. متخلف از این مقرر به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

■ قانون وکالت



■ مجموعه قوانین و مقررات مرتبط با وکالت



قتل حمید حاجیان؛ پرسش‌ها و ابهامات



مونا زنده دل
وکیل پایه یک دادگستری



ماهیای اقتصادی کشور به آدم‌کشی» توصیف کرد و سخنگوی کمیسیون حقوقی مجلس از بررسی این حادثه در یکی از جلسات این کمیسیون خبر داد. با گذشت بیش از یک ماه از وقوع این قتل، خبر روشنی درباره شناسایی و انگیزه قاتل یا قاتلان حاجیان منتشر نشده اما نام او هنوز در جلسات رسیدگی به پرونده سایر متهمان بانک سرمایه شنیده می‌شود.

به‌عنوان مثال قاضی مسعودی‌مقام روز ۳۰ اردیبهشت و در پایان جلسه محاکمه چند تن دیگر از متهمان بانک سرمایه به خبرنگاران گفت: «برای تحقیق از هدایتی، آقای حاجیان به دادسرای جنایی احضار شده بود. حکم جلب او صادر شده و قرار بود بازداشت شود و در معرض اتهام بود.»

همچنین در جلسه روز ۵ خرداد همین دادگاه، نماینده دادستان با بیان این که احسان دلاویز و محمد امامی، دو متهم دیگر پرونده، به‌شکل حرفه‌ای پولشویی می‌کردند خطاب به دلاویز گفت: «بخش مهمی از این پول‌ها به حساب حاجیان رفته است.» بالاخره روز ۸ خردادماه اسماعیلی، سخنگوی قوه قضاییه از بازداشت و تحقیق از چند نفر در ارتباط با این قتل خبر داد اما افزود: «اینکه بین این قتل و پرونده بانک سرمایه ارتباطی وجود داشته باشد، تاکنون سرنخی کشف نشده است و در ادامه تحقیقات مشخص نیست که آیا ارتباطی بین این قتل و پرونده بانک سرمایه به دست خواهد آمد یا نه؟ متهمینی هم در این ارتباط شناسایی شده و تحت تعقیب قرار گرفته‌اند و موضوع با جدیت در دادسرا در حال رسیدگی است.»

چهارم اردیبهشت‌ماه خبر کشته‌شدن حمید حاجیان، وکیل ۴۱ ساله و عضو کانون وکلای دادگستری مرکز، جامعه حقوقی کشور را در بهت فرو برد. به گفته سرپرست دادسرای امور جنایی تهران، مهاجم به این وکیل و زن همراه وی در مقابل دفتر کارش تعداد زیادی گلوله شلیک کرده که در نتیجه آن آقای حاجیان دچار مرگ مغزی شد و ساعتی بعد قلبش نیز از تپش ایستاد.

این خبر که در ابتدا نمونه دیگری از رواج خشونت طرفین دعوا علیه وکلای دادگستری به‌نظر می‌رسید، با بازنشر برخی اظهارات حسین هدایتی، متهم معروف پرونده فساد کلان در بانک سرمایه، ابعاد تازه‌ای یافت.

هدایتی در اسفند ۹۷ در یکی از جلسات محاکمه خود با اشاره به متواری‌شدن یکی از متهمان مهم پرونده به‌نام «علی اکبر یقینی» گفته بود: «[وزارت] اطلاعات ما از خارج از کشور متهم را می‌گیرد. الان در سلول ما فردی را از کارائیب آورده‌اند... آیا نمی‌توانند آن آقا را بگیرند بیاورند تا اینجا صحبت کند؟... به سراغ حمید حاجیان که یک وکیل با نفوذ است و ۵۰ میلیارد تومان پول بنده را خورده و برده است بروید. حاجیان به من گفت اگر اسمش را در دادگاه ببرم از من شکایت می‌کند. شاید فرار آقای یقینی نیز دست ایشان باشد.»

احتمال ارتباط حسین هدایتی یا متهمان دیگر این پرونده با قتل حمید حاجیان، حساسیت عمومی جامعه را برانگیخت؛ پدرام سلطانی، نایب رییس اتاق بازرگانی، قتل حمید حاجیان را «اعلان ورود

خانه‌ای بر روی آب

پژوهشی جامع در باب صیغه محرمیت
ازدواج موقت در ایران

موارد، زنان تن‌فروش برای کسب وجهه شرعی و قانونی از این روش استفاده می‌کنند. براساس یافته‌های این پژوهش نیازهای جنسی عامل اصلی گرایش مردان به ازدواج موقت (۶۱ درصد) بوده اما برای زنان رفع نیازهای عاطفی و اقتصادی با ۸۱٫۳۴ درصد مهمترین عامل گرایش به ازدواج موقت محسوب می‌شود. همچنین فقط ۹٪ از زنان حاضر در این پژوهش از برخی موارد قانونی مرتبط با ازدواج موقت مطلع بودند.

به گفته نویسنده کتاب، افزایش سن ازدواج به ۱۵ سال، الزامی‌شدن ثبت واقعه ازدواج‌های موقت در دفاتر رسمی ازدواج و طلاق، مشاوره‌های حقوقی و بهداشتی در ازدواج موقت، اجباری شدن آموزش رایگان تا دیپلم، بسترسازی فرهنگی و اجتماعی از طریق رسانه‌های جمعی و سازمان‌های مردم‌نهاد و نهادهای مذهبی از مهم‌ترین راهکارهای پیشگیری از پیامدهای منفی اینگونه ازدواج‌های موقت هستند.

مراسم رونمایی از کتاب «خانه‌ای بر روی آب: پژوهشی جامع در باب صیغه محرمیت و ازدواج موقت در ایران» نوشته کامیل احمدی روز ۲۸ فروردین با حضور برخی فعالان مدنی و حقوق کودک در خانه گفت‌وگو شهر برگزار شد. احمدی که از فعالان اصلاح قوانین سن ازدواج نیز هست، آنچه را که در عرف به‌عنوان «صیغه محرمیت» شناخته می‌شود، یکی از عوامل تسهیل‌گر ازدواج کودکان می‌داند و معتقد است به‌دلیل مخفی‌ماندن این نوع از روابط از نظارت قانونگذار، در موارد زیادی شرایط مقرر قانونی در آن رعایت نمی‌شود.

این رابطه در اغلب موارد به دلایلی همچون باردارشدن به ازدواج دائم منتهی می‌شود. همچنین کودکان و نوجوانانی که چنین شرایطی را تجربه می‌کنند در بیشتر موارد مدرسه را ترک خواهند کرد. احمدی در پژوهش جدیدش از ایجاد شکل‌های جدیدی از ازدواج موقت (آنلاین و ساعتی، دلاری، زیارتی، شبی، مسافرتی، صیغه در ازای تأمین خوراک و غیره) خبر داده و می‌گوید که در بعضی





سخنرانی دکتر رحیم نوبهار در آکادمی علوم جنایی دانشگاه فردوسی مشهد

حقوق کیفری در جدال میان صلح و عدالت

“

من در چنین موقعیتی
نیستم که صلح را
کاملاً بر عدالت مقدم
بدانم لیکن می‌خواهم
استدلال کنم که صلح
هماورد و همپای عدالت
است

«آکادمی علوم جنایی» نهادی تازه تأسیس در دانشکده حقوق دانشگاه فردوسی است که با هدف افزایش تبادلات علمی میان نخبگان و فعال تر کردن فضای نظریه‌پردازی، نشست‌های علمی را آخرین سه‌شنبه هر ماه با سخنرانی اساتید مطرح حقوق کیفری و جرم‌شناسی ایران برگزار می‌کند. در فروردین ۹۸، این نهاد علمی میزبان دکتر «رحیم نوبهار»، از اساتید حقوق کیفری و جرم‌شناسی بود که آثار نوآندیشانه‌ای در باب حقوق کیفری اسلامی دارد.

آنجا هم این پرسش مطرح بود که آیا کسانی را که عمری به اذیت و شکنجه سیاهپوستان اقدام می‌کردند، باید عفو کرد یا مجازات نمود؟ و البته می‌دانیم که ماندلا با گفتن عبارت «می‌بخشیم ولی فراموش نمی‌کنیم»، جانب صلح را گرفت. دانشیار دانشگاه شهید بهشتی در مقام حل این تعارض گفت: من در چنین موقعیتی نیستم که صلح را کاملاً بر عدالت مقدم بدانم لیکن می‌خواهم استدلال کنم که صلح هم‌اورد و همپای عدالت است؛ از این‌رو گاهی می‌تواند با عدالت تراحم کند و احیاناً بر آن مقدم شود. فایده چنین نگاهی این است که باعث می‌شود ما صلح را از حاشیه بیرون بیاوریم و در متن نظام حقوق کیفری بپذیریم، نه این‌که صلح را به مثابه یکی از زیرمجموعه‌های عدالت، آنگونه که در عدالت ترمیمی اتفاق افتاده است، قلمداد نماییم. دکتر نوبهار در استدلال بر اهمیت والای صلح ابتدا این گزاره را که «عدالت لازمه ضروری

جدیدی در حقوق بین‌المللی کیفری با عنوان «صلح علیه عدالت» شکل گرفت. در جریان این جنگ ویرانگر تبهکاران مرتکب نسل‌کشی، جرائم علیه بشریت و جرائم جنگی شده بودند. از یک سو عدالت ایجاب می‌کرد این اشخاص با محاکمه و اجرای مجازات به سزای اعمال خود برسند و از سوی دیگر، چون مجازات شدن این افراد آتش کینه و نفرت را به نوعی در جامعه شعله‌ور می‌کرد و دوگانگی و تضادها را در جامعه عمیق‌تر می‌نمود، این زمینه هم وجود داشت که از جرایم آنها چشم‌پوشی شود تا صلح ایجاد گردد. دادگاه‌های حقوق کیفری البته در انتخاب صلح یا عدالت دیدگاه‌های متفاوتی داشته‌اند و گاه دچار تغییر پارادایمی بوده‌اند.

نوبهار با اشاره به مفهوم «عدالت انتقالی» به جدال میان صلح و عدالت در دوران گذار اشاره کرد و افزود: «نلسون ماندلا» که در آفریقای جنوبی به قدرت رسید، دچار همین دوگانگی شد. در

دکتر نوبهار در ابتدا سخن از چیستی و اهمیت صلح و عدالت را متعلق به حوزه‌های دانشی فلسفه حق، فلسفه ارزش، فلسفه اخلاق و اندیشه سیاسی دانست و افزود: اگر حقوق‌دانان قصد فهم این دو مفهوم را داشته باشند ناچارند به این حوزه‌های دانشی ورود پیدا کنند. دکتر نوبهار نظام حقوقی را نظامی مبتنی بر ارزش‌ها تلقی کرد و با اشاره به دیدگاهی که رسالت حقوق را توسعه فضیلت، اخلاق و خیر می‌داند گفت: توان حقوق برای پیگیری فضیلت‌های اخلاقی اندک است و ما می‌بایست بار کمی را برای فضیلت‌مدار کردن جامعه بر دوش حقوق بگذاریم.

استاد فلسفه حقوق کیفری با طرح این پرسش که اگر ما عدالت و صلح را دو ارزش قلمداد کنیم، آیا تعارض و تراحمی بین این دو ارزش رخ می‌دهد، اضافه کرد: پس از جنگ جهانی دوم و ایجاد دادگاه‌های بین‌المللی نورنبرگ و توکیو، مفهوم

“

باید اصل صلح و مدارا
را به حیطة جرم انگاری
نیز ببریم و دامنه حقوق
کیفری را محدودتر
کنیم.

در نشست بررسی اصلاحات تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مطرح شد

داشتن وکیل مورد تأیید بهتر از ۲۰ روز بدون وکیل بودن است



دکتر کاظم عمارتی
وکیل پایه یک دادگستری

حضور وکیل نمایند. این که از زمانی که متهم تحت نظر قرار می گیرد حق ملاقات با وکیل را داشته باشد در حقوق کیفری ما سابقه نداشته شده است. نکته جالب این است که انتهای ماده ۴۸ قانون ما از قانون فرانسه هم پیشرفته تر است، زیرا در قانون فرانسه زمان ملاقات با وکیل نیم ساعت است و در اینجا یک ساعت اجازه داده شده است.

دکتر عمارتی به اصلاحات جدید این تبصره در مصوبه کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس اشاره کرد و افزود: اعتقاد من این است که این تبصره به شکلی فعلی آن هم از تبصره ماده ۱۲۸ قانون سابق بهتر است و هم از تبصره اصلاحی کمیسیون حقوقی؛ زیرا هر چند تعداد وکلایی را که می توانند در پرونده مداخله کنند محدود می کند اما امکان برخورداری متهم از وکیل، ولو اینکه از وکلای مورد تأیید رئیس قوه قضاییه باشد، از نظر من بهتر است تا اینکه به مدت ۲۰ روز هیچ وکلی نداشته باشد. ابهام دیگر این است که این مدت ۲۰ روز از چه تاریخی شروع می شود و متهم ۲۰ روز از چه تاریخی حق ملاقات با وکیل را ندارد؟ که منطقاً و قانوناً و عرفاً باید همان زمان بازداشت باشد.

وی با بیان این که عبارت «جرایم سازمان یافته» تعریف روشنی ندارد، محدود کردن این جرایم را به جرایم سازمان یافته ای که مجازات آن مشمول ماده ۳۰۲ باشد نکته مثبتی دانست. همچنین بیان داشت که این اصلاحیه «جرایم تروریستی» را به تبصره ماده ۴۸ اضافه می کند و اشکال آن این است که می گوید «جرایم تروریستی موضوع قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم»، در حالیکه در آن قانون دسته بندی مشخصی از جرایم تروریستی باشد یا غیرتروریستی وجود ندارد و قانونگذار باید این را اصلاح کند و بگوید منظورش از جرایم تروریستی چیست؟ «جرایم اقتصادی با موضوع ۱۰ میلیارد ریال و بیشتر» نیز نکته مبهم دیگر این ماده است که به نظر می رسد برای تعریف جرم اقتصادی معیار روشنی ندارد و به نظر می رسد تعریف آن را به آثار و خسارات جرم معطوف کرده است.

محمدکاظم عمارتی ایراد دیگر تبصره اصلاحی را در آن دانست که می گوید در مرحله تحت نظر و تحقیقات مقدماتی به مدت ۲۰ روز می توان مانع ملاقات متهم با وکیل شد. او «تحت نظر» را کسی دانست که اتهام به او تفهیم نشده است و مدت تحت نظر قرار گرفتن ۲۴ ساعت است که از لحظه ای که تفهیم اتهام شد این شخص تحت نظر محسوب نمی شود و متهم محسوب می شود و باید قرار کیفری مناسب درباره اش صادر شود. این درحالی است که تبصره اصلاحی کمیسیون حقوقی می گوید شخص تحت نظر تا ۲۰ روز اجازه ملاقات با وکیل را ندارد که این شائبه ایجاد می شود که می شود فردی را ۲۰ روز بدون تفهیم اتهام تحت نظر قرار داد.

تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری یکی از مباحث چالش برانگیز سال های اخیر نظام حقوقی ایران بوده است. در اردیبهشت ماه ۱۳۹۸، سخنگوی کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی از اصلاح این تبصره خبر داد و اعلام کرد که بر اساس اصلاحات جدید، «در جرایم سازمان یافته که مجازات آنها مشمول بندهای الف، ب و ت ماده ۳۰۲ این قانون است و همچنین جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، جرایم تروریستی موضوع قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم و جرایم اقتصادی با موضوع جرم ۱۰ میلیارد ریال و بیشتر در مرحله تحت نظر و تحقیقات مقدماتی، حداکثر

به مدت ۲۰ روز می توان مانع از ملاقات مظنون با وکیل شد و در صورتی که به تشخیص مقام قضایی نیاز به مدت زمان بیشتری باشد، این تصمیم در قالب قرار ممنوعیت از حضور وکیل صادر می شود و در واقع این قرار قابل اعتراض در دادگاه است.»

انتشار خبر اصلاحات جدید تبصره ماده ۴۸، یکبار دیگر این ماده را به موضوع بحث حقوقدانان بدل کرد و نگرانی هایی را درخصوص احتمال تضییع حقوق متهمان برانگیخت.

در همین راستا در تاریخ ۱۹/۲/۱۳۹۸ جلسه ای برای بررسی سیر تغییرات این تبصره در محل جامعه وکلای دادگستری خراسان برگزار شد.

دکتر محمدکاظم عمارتی سخنران این جلسه صحبت خود را با اشاره به تبصره ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری آغاز کرد و گفت: در تبصره ماده ۱۲۸ قانون سابق، حضور وکیل در مرحله تحقیق سه محدودیت داشت: اول جنبه محرمانه داشتن موضوع، که تعریفی از این محرمانگی ارائه نشده بود. دوم اینکه حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد که این واقعاً بحث برانگیز و توهین به وکلا بود و سوم در جرایم علیه امنیت کشور که از جرایم علیه امنیت کشور نیز تعریف دقیقی وجود نداشت.

این وکیل دادگستری با بیان این که در تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲، محدودیت های ماده ۱۲۸ به شکل تبصره ماده ۴۸ اصلاح شد، افزود: در این اصلاحات، قانونگذار قیدهایی مربوط به جنبه محرمانه داشتن موضوع و احتمال فساد در صورت حضور غیر متهم موجب را حذف کرد اما عبارت «جرایم سازمان یافته» را به «جرایم علیه امنیت» اضافه کرد و همچنین مدت زمان یک هفته را برای محدودیت در ملاقات متهم با وکیل مشخص کرده بود. قوه قضاییه تا سال ۱۳۹۴، به بهانه عدم وجود سازوکار و ابزار لازم این ماده را اجرا نکرد. نهایتاً مجلس شورای اسلامی در این سال برای تأمین نظر قوه قضاییه و پایان دادن به این بلا تکلیفی، موادی از قانون را اصلاح کرد. یکی از مواد اصلاح شده، تبصره ماده ۴۸ بود که در صدر آن آمده است: «با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می تواند تقاضای

صلح است» پذیرفت اما با نقد نگاه کسانی که عدالت را مطلقاً ارجمندتر از صلح می دانند، افزود: پذیرش چنین دیدگاهی تنها دلالت بر تقدم وجودی عدالت بر صلح می کند و نه تقدم ژتبی. او همچنین صلح را در مقایسه با عدالت دارای طبعی آینده نگرتر دانست؛ در حالی که عدالت بیشتر امری گذشته گرا است.

این مجتهد حوزوی در ادامه، گریزی به اهمیت صلح در اسلام زد و به دفاع از صلح از دیدگاه اسلامی پرداخت و گفت: با نگاهی منصفانه به متون دینی این نکته را درمی یابیم که از نظر کمی بر ارزش عدالت بیشتر از ارزش صلح تأکید شده است؛ لیکن از نظر کیفی در متون دینی تأکیدات عجیبی بر اهمیت و فضیلت صلح وجود دارد. دستور خداوند به پیامبر در آیه ۶۱ سوره انفال به صلح با دشمن (در هنگامی که پیشنهاد صلحی از سوی دشمن داده شود) از جمله این تأکیدات است که بدون گذاشتن قید یا شرطی پیامبر (ص) و در واقع، همه مسلمانان را امر به مصالحه با دشمن می کند. وی اظهار داشت که اگرچه نمی توان صلح بدون قید و شرط را پسندید، لیکن اگر چنین آیه ای را به انسانی صلح گرا عرضه کنید برداشت خواهد کرد که در این خطاب الهی صلح بدون قید و شرط منظور نظر شارع بوده است. تقدم «اصلاح ذات البین» بر یک سال نماز و روزه از دیگر تأکیدات اسلامی است که راجع به صلح آمده است.

حجت الاسلام نوبهار با اشاره به تأکید اسلام بر مفاهیمی مانند «عفو» و «صفح» (چشم پوشی از خطا) گفت: در سیره پیامبر اکرم (ص) نمونه هایی از ترجیح صلح بر عدالت را می توان دید؛ از جمله در جریان فتح مکه ایشان جانب صلح را بر جانب عدالت مقدم داشت و با کسانی که آن روز را «یوم المنقه» می خوانند مخالفت کرد و فرمود امروز «یوم المرحمه» است. همچنین پس از پیروزی امیرالمؤمنین (ع) در جنگ جمل، اصحاب به ایشان مراجعه کردند و گفتند برخی از باقی ماندگان سپاه مقابل، که ظاهراً اسیر هم نبودند، در بصره حضور دارند و ما می دانیم که آنان در برابر شما شمشیر کشیده و برخی را کشته یا مجروح کرده اند. از این رو از امام می خواستند تا این اشخاص برای اعمال مجازات قصاص دستگیر شوند. لیکن به گزارش برخی منابع اسلامی حضرت امیر (ع) پاسخ دادند: اگر بخواهم به دنبال این امور باشم جنگ میان ما و برادرانمان هیچگاه پایان نمی پذیرد.

او با اشاره به روح مدارا گرای اسلام در حوزه مجازات و واکنش اجتماعی گفت: با مطالعه و تحقیق عرض می کنم که همه مداخله های آموزه های اسلامی در حوزه مجازات، ملاحظات تعدیل گرانه و انسانی بوده است. مثلاً اگر در جاهلیت دست سارق را تا آرنج یا کتف قطع می کردند، اسلام تنها به قطع چهار انگشت آن هم با شرایطی موافقت کرد. چه بسا همین دیدگاه ما را به این نظرگاه برساند که اسلام تأکیدی بر اجرای مجازات های بدنی ندارد.

دکتر نوبهار در پایان سخن خود گفت: اگر ارزش «صلح» را در ردیف ارزش «عدالت» بدانیم، حقوق به طور کلی و حقوق کیفری به طور خاص باید صلح را به عنوان یک اصل بپذیرد. بنیادهای حقوق کیفری باید علاوه بر ستون عدالت، بر ستون صلح نیز قائم شود؛ نه این که صرفاً در حد عدالت ترمیمی به صلح بپردازیم.

وی یکی از لوازم بدیهی این نگاه را حذف مجازات های خشن از نظام عدالت کیفری دانست و افزود: ما باید اصل صلح و مدارا را به حیطه جرم انگاری نیز ببریم و با این دیدگاه به بررسی مجدد جرایم بپردازیم؛ همچنین با توجه با این که حقوق کیفری یک حقوق سزادهنده و خشن است، با الهام از ارزش صلح و مدارا دامنه حقوق کیفری را محدودتر کنیم؛ در دسته بندی جرائم به توسعه دامنه جرایم قابل گذشت بپردازیم و عفو را به یک نهاد مهم در حقوق کیفری تبدیل کنیم.



عضو هیأت مدیره کانون مرکز:

بی‌انگیزگی و عدم برگزاری انتخابات الکترونیک؛ دو دلیل شرکت نکردن وکلا در انتخابات

شود؛ اما واقعیت امر آن است که در عمل، گاهی به واسطه تأخیر در اعلام اسامی نامزدهای واجد شرایط توسط دادگاه عالی انتظامی قضات و یا حتی وجود یک دستور قضایی ممکن است برگزاری انتخابات به تعویق بیفتد و یا حتی انتخاباتی که در سر موعد برگزار شده است، ابطال شود. در چنین شرایطی، بدیهی است که نمی‌توان امور کانون را به حال خویش رها کرد و بدون وجود هیأت مدیره، کانون وکلا را اداره نمود.

برای حل مشکلات احتمالی در این زمینه باید از مقررات ماده ۱۶ آئین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا استعانت گرفت. این ماده مقرر کرده است که در صورتی که انتخابات ابطال شود، باید انتخابات هیأت مدیره تجدید شود و در این صورت تا تعیین هیأت مدیره جدید، هیأت مدیره سابق انجام وظیفه خواهد نمود. لذا می‌توان با اخذ وحدت ملاک از مقررات این ماده، هیأت مدیره سابق را تا زمان تعیین هیأت مدیره جدید ذی‌سمت تلقی کرد.

دلیل استقبال پایین رای‌دهندگان در انتخابات هیأت مدیره کانون‌ها را چه می‌دانید؟

دلایل متعددی برای عدم استقبال از انتخابات

خصوص شرایط شکلی نامزدها نیز خود را واجد صلاحیت اظهار نظر قلمداد می‌کند. با این وصف، باید مقررات ماده ۱ آئین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا را در آن قسمت که تشکیل هیأت نظارت را دو ماه قبل از انقضای هر دوره هیأت مدیره ضروری دانسته است، به استناد قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت نسخ ضمنی دانست و با جمع مقررات ماده ۱ آئین‌نامه و تبصره ۱ ماده ۴ قانون کیفیت، زمان مربوط به تشکیل هیأت نظارت را به چهار ماه مانده به پایان دوره هیأت مدیره افزایش داد تا امکان اعمال مقررات هر دو ماده برای هر دو مرجع فراهم باشد.

آیا تصمیمات هیأت مدیره کانون‌ها خارج از دوره قانونی‌شان نافذ است؟

طبقاً هیأت مدیره برای دو سال توسط وکلا انتخاب می‌شود و نمایندگی اعضای هیأت مدیره مقید به مدت معین است. لذا پس از خاتمه دوره هیأت مدیره سمت ایشان زائل می‌گردد. از این رو روند برگزاری انتخابات هیأت مدیره نباید به ترتیب و کیفیتی باشد که باعث ایجاد فترت میان دوره تصدی هیأت مدیره قبلی و هیأت مدیره بعدی

کشور نبود. در واقع این هیأت نظارت بود که با بررسی شکلی شرایط نامزدها، اسامی واجدین شرایط را برای برگزاری انتخابات به هیأت عمومی وکلا اعلام می‌کرد. لذا فرصت دو ماهه مندرج در ماده ۱ آئین‌نامه معقول بود و عملاً مشکل یا معضلی در روند برگزاری انتخابات هیأت مدیره به وجود نمی‌آمد. اما در تبصره ۱ ماده ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت که در سال ۱۳۷۶ به تصویب رسید، دادگاه عالی انتظامی قضات، مرجع رسیدگی به صلاحیت نامزدهای عضویت در هیأت های مدیره کانون‌های وکلای دادگستری شد.

در همین قانون، به دادگاه عالی انتظامی قضات فرصت دو ماهه‌ای برای اعلام نظر در خصوص صلاحیت نامزدها داده شد و در واقع، یک مرحله به روند برگزاری انتخابات هیأت مدیره اضافه شد؛ بدین‌نحو که هیأت نظارت عهده‌دار بررسی شرایط شکلی نامزدها مانند احراز سابقه وکالت، احراز عدم سابقه محکومیت انتظامی درجه ۴ و بالاتر، سن متقاضی و... شد. بر این اساس دادگاه عالی انتظامی قضات، عهده‌دار بررسی شرایط ماهوی نامزدها با استعلام از مراجع ذی‌ربط گردید. هر چند که در عمل، دادگاه عالی در

«سید مهدی حجتی» وکیل دادگستری، عضو فعال هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز و بازرس آن است. از او در باب برخی تعارضات قانونی در مورد انتخابات کانون‌های وکلا و دلیل پایین بودن نرخ شرکت وکلای دادگستری در چنین انتخابات مهمی پرسیده‌ایم. در ادامه پرسش و پاسخ مکتوب ماهنامه وکلا با ایشان را می‌خواند.

طبق آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، کانون‌ها ۲ ماه پیش از اتمام دوره مسئولیتشان موظف به تشکیل هیأت نظارت هستند. این ۲ ماه موضوعیت داشته یا می‌توان زودتر از این موعد نیز هیأت نظارت را تشکیل داد؟

استحضار دارید که مقررات ماده ۱ آئین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری در زمانی به تصویب رسیده است که مرجعی به نام دادگاه عالی انتظامی قضات، عهده‌دار تأیید صلاحیت نامزدهای عضویت در هیأت مدیره کانون‌های وکلای

پرونده

انتخابات هیأت‌های مدیره، عدم امیدواری به وضعیت آتی کانون‌ها، سرخوردگی از وضعیت نابسامان وکالت در کشور، ناامیدی وکلای جوان از حرفه‌ای که قبل از ورود به آن، تصور مدینه فاضله از آن داشتند، رفتارهای نامناسب و سخت‌گیری‌های بعضاً بی‌موردی که در دوره کارآموزی با وکلای فعلی صورت گرفته نیز در کاهش مشارکت همکاران در انتخابات تأثیرگذار است.

با این حال هیچ یک از این موارد نمی‌تواند دلیل موجهی برای عدم شرکت در انتخابات باشد، زیرا هر مقدار که مشارکت بالاتر باشد، طبیعتاً هیأت مدیره از پشتوانه قوی‌تری برخوردار است. بدیهی است که بی‌تفاوتی و عدم مشارکت در انتخابات هیچ نتیجه‌ای جز صدمه به کانون وکلا ندارد.

مورد کانون‌های وکلا نیز صادق است؛ به این ترتیب که وکلا نگویند که کانون برای ما چه کرده است بلکه باید از خود پرسند که ما برای کانون چه کرده‌ایم؟

اگر چنین پرسشی توسط وکلا از خودشان صورت گیرد؛ طبیعتاً به این نتیجه خواهند رسید که حداقل کاری که می‌توانند برای کانون وکلا انجام دهند، شرکت در انتخابات و اهمیت دادن به سرنوشت صنفی خویش است. همین امر مشارکت در انتخابات را افزایش خواهد داد.

وکلا علاوه بر ساز و کار سنتی انتخابات و بی‌انگیزگی همکاران، عامل دخیل دیگری را نیز در پایین بودن سطح مشارکت مؤثر می‌داند؟

دلیل دیگر عدم مشارکت همکاران در انتخابات هیأت‌مدیره، رد صلاحیت نامزدهای مورد نظر همکاران توسط دادگاه عالی انتظامی قضات بالاخص نامزدهای مطرح و مقبول جامعه وکالت است که این تلقی را به وجود می‌آورد که شرکت در انتخابات، فایده عملی ندارد و افرادی به هیأت‌مدیره راه پیدا می‌کنند که به قولی رجل صنفی نیستند و مقبولیت لازم را در جامعه وکالت ندارند.

دلایل متعدد دیگری نیز مانند جناحی شدن

نمی‌دهند. البته این تصور، تصور درستی نیست.

وکلا اگر نظام تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی هیأت مدیره کانون‌ها اختلال دارد، چرا باید چنین تصویری اشتباه باشد؟

زیرا هیأت‌های مدیره کانون‌ها در مقام اداره کانون و انجام وظایف محوله، مجبور به اولویت‌بندی امور هستند و با توجه به اینکه در طول این سال‌ها مجبور به صیانت از موجودیت کانون‌ها و کیان آن بوده‌اند، عمده وقت و انرژی مدیران، مصروف حفاظت از کیان و اساس کانون‌ها شده و می‌شود و مطالبات جامعه وکالت، مغفول باقی مانده است.

البته نباید از این نکته غافل بود که ماده ۶ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا، وظایف کانون‌ها را تعیین کرده و هیأت‌های مدیره نیز بالاجبار در همان راستا قدم بر می‌دارند. بسیاری از مطالبات به حق جامعه وکالت باید در قالب‌های دیگری مانند اتحادیه وکلای دادگستری یا انجمن صنفی وکلای دادگستری پیگیری شود که متأسفانه، وکلا تا کنون علاقه‌ای جدی به تشکیل چنین نهادهایی از خود بروز نداده‌اند. همین امر باعث شده همه انتظارات و مطالبات جامعه وکالت معطوف به هیأت‌مدیره کانون‌ها شود که توان محدودی دارند. جمله معروفی وجود دارد که در

هیأت‌های مدیره کانون‌های وکلا وجود دارد. استحضار دارید که انتخابات هیأت‌های مدیره کانون‌ها همچنان به شکل سنتی و به عبارتی کلاسیک برگزار می‌شود. آئین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا، برگزاری انتخابات را در محلی که هیأت نظارت تعیین و اعلام می‌کند تجویز کرده‌است که معمولاً این انتخابات در محل کانون وکلا برگزار می‌شود. همین امر باعث می‌شود وکلایی که در شهرها و مناطقی غیر از شهر محل استقرار کانون وکلا حضور دارند به لحاظ بعد مسافت، در روز برگزاری انتخابات مسیر سفر را بر خود هموار نکنند و در پای صندوق رأی حاضر نشوند. همین امر نقش به‌سزایی در کاهش مشارکت در انتخابات هیأت‌مدیره دارد و طبیعی است که اصلاح این روند، ملازمه با الکترونیکی‌شدن روند برگزاری انتخابات هیأت‌های مدیره دارد. این امر نیز جز با اصلاح آئین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا میسر نیست.

دلیل دیگر عدم مشارکت وکلا در انتخابات، بی‌انگیزگی همکاران است. در واقع وکلا انگیزه‌ای برای شرکت در انتخابات ندارند و چنین تصور می‌کنند که هیأت‌های مدیره منصرف از اعضاء تشکیل دهنده آن، کاری برای بهبود وضعیت حرفه‌ای، معیشتی و صنفی آنها انجام

چند راهکار برای ارتقای جایگاه نهاد وکالت

حسن حسن‌زاده

حرفه، ممانعت از فعالیت مؤسسات حقوقی غیرمجاز، توزیع صحیح امر سرپرستی کارآموزان و ترغیب وکلای سرپرست به حمایت بیشتر از ایشان، رفع محدودیت‌های غیرضرور در مسیر اشتغال آنان و از این رهگذر ارجاع وکالت‌های معاضدت و داوریه‌های نه چندان پیچیده به جوانان تا حدود زیادی می‌تواند راهگشا باشد.

تلاش برای اصلاح مقررات از قبیل اعاده الزامی‌شدن دخالت وکلا در دعاوی، حذف جریمه ۲۵ درصدی حق بیمه‌های معوق، کاهش سود تسهیلات اعطایی صندوق حمایت به اعضاء، اختیاری شدن عضویت در این صندوق و جلوگیری از اعطای جواز وکالت به قضات بازنشسته را نیز برای نیل به مقصود لازم می‌دانم. در این رابطه بدیهی است حق ابتدائی همکاران است که از آنچه نمایندگان شان انجام می‌دهند، اطلاع یابند و ضمن اطلاع‌رسانی مصوبات هیأت‌مدیره در پایان هر جلسه، لااقل در جشن هفتم اسفندماه گزارش بازرس کانون نیز همراه با گزارش جامع و مانع هیأت‌مدیره راجع به عملکرد و امور مالی قرائت شود.

استقرار نهاد وکالت دادگستری در جایگاه شایسته خود جز به همت و وحدت اعضاء میسر نیست. از این رو افزایش مستمر سطح دانش و مهارت‌های حرفه‌ای می‌تواند اعضاء را از گرفتاری و جامعه وکالت را از وهن ناشی از اقدامات سطحی، اشتباه و بعضاً مغایر مقررات برهانند. همچنین برخورد قاطع با کارچاق‌کن‌ها، متظاهرين به امر وکالت و حفظ استقلال مراجع انتظامی کانون، در کنار تشویق و تقدیر از وکلای شایسته نیز ضرورتی انکارناپذیر است.

البته از رواج شایسته سالاری در کانون و حذف مرزبندی‌های مضر موجود میان اعضاء، حمایت از تشکیل کمیسیون بانوان، احیاء کمیسیون رفاه، معاضدت به همکارانی که به سبب یا در حال انجام وظایف حرفه‌ای با مشکل یا اتهام مواجه شده‌اند، تلاش برای تأمین امکانات رفاهی و تجهیزاتی مورد نیاز وکلا در این مراجع نیز نباید مورد غفلت واقع شود.

راهکار دوم تخلُّق به اخلاق حرفه‌ای، رواج شرافت و وجدان کاری در سایه تأمین نیازمندی‌های مادی و معنوی اعضاء است که با حفظ تناسب جمعیت شاغلین به این





در برگزاری انتخابات الکترونیک تابوشکنی کردیم

رئیس کانون وکلای یزد:

بیش از یک دهه است که صحبت از امکان الکترونیکی کردن فرآیند انتخابات بر سر زبان‌ها افتاده، امکانی که می‌توان در برگزاری انتخابات هیأت‌مدیره کانون‌های وکلا نیز از آن بهره گرفت. در همین رابطه با دکتر «محمدحسین جعفری» رئیس جوان کانون وکلای دادگستری یزد مصاحبه‌ای را ترتیب دادیم تا از چند و چون برگزاری انتخابات الکترونیک در این کانون بیشتر بدانیم.



سیدسبحان
هوشیار امامی

ضمن عرض سلام، گویا در دوره مدیریت شما یک نوبت انتخابات الکترونیک برگزار شده است. لطفاً در این زمینه کمی بیشتر توضیح بفرمایید. دقیقاً منظور شما از الکترونیکی برگزار شدن انتخابات چه بوده است؟

منظور ما برگزاری انتخابات با استفاده از ابزار الکترونیک و فضای مجازی است و در این روش با استفاده از محدودیت‌های امنیتی، کدنویسی و رمزنگاری تعرفه رأی‌گیری نسبت به اخذ آراء شرکت‌کنندگان اقدام می‌شود. در این روش وکلایی که حق حضور در هیأت عمومی و بالتبع حق انتخاب کردن را دارند با ورود اطلاعات خود و شناسایی توسط سیستم، موفق به اخذ جواز ورود به سیستم رأی‌گیری می‌شوند.

مجوز دسترسی قائم به شخص وکیل بوده و بلافاصله با ورود به سیستم رأی‌گیری، رمز ورود باطل می‌شود. وکیل دارای حق انتخاب کاندیدا با مشاهده تصویر ایشان و کد نامزدهای انتخاباتی (وکلائی که حق انتخاب شدن را دارند) در صفحه مانیتور انتخاب خود را انجام داده و پس از مشاهده تمام انتخاب‌های خود در صفحه، تأیید نهایی را می‌زند و رأی در سیستم ثبت می‌شود. نسخه چاپی رأی را هم پرنیت نموده و در صندوق ضبط آراء می‌اندازند تا در صورت وصول اعتراض و شکایت، شمارش دستی نیز صورت بگیرد.

پس از اعلام پایان رأی‌گیری به سیستم توسط هیأت نظارت، بلافاصله نتایج آراء مشاهده می‌شود و آمار مورد نظر قابل استخراج است. فوریت قرائت آراء جالب توجه است که پس از کلیک رئیس هیأت نظارت بر گزینه پایان رأی‌گیری بر روی صفحات مانیتور نمایش داده می‌شود.

لازم به توضیح است که کانون وکلای یزد در دوره مدیریت بنده اولین انتخابات الکترونیک را در سپهر انتخابات هیأت‌مدیره کانون‌های وکلای سراسر ایران به شایستگی برگزار کرد و تنها کانونی بوده که توانسته در این زمینه با شجاعت ورود کند.

برخلاف دیدگاه برخی از وکلای سنتی، برگزاری انتخابات الکترونیک مانع قانونی ندارد و دلیل اصلی عدم اقبال به این شیوه، نبود زیرساخت‌هایی از قبیل سیستم اتوماسیون داخلی هوشمند است.

آیا در این دوره نیز انتخابات به صورت الکترونیک برگزار خواهد شد؟ در این صورت چه تدابیری برای سلامت انتخابات اتخاذ نموده‌اید؟

با توجه به تجربه موفقیت‌آمیز انتخابات الکترونیک و وجود ظرفیت آن در کانون یزد، همچنین وجود سیستم رأی‌گیری الکترونیک و وجود داده‌های لازم در خصوص وکلای دارای حق رأی، در زمان مدیریت بنده حتماً

انتخابات به صورت الکترونیک برگزار خواهد شد. شایسته است تمام انتخابات کانون در هر زمینه‌ای به صورت الکترونیک برگزار شود؛ زیرا با توجه به امنیت داده‌ها نگرانی قلب از هر حیث منتفی است.

به نظر شما چرا کانون‌های وکلا از برگزاری انتخابات به صورت الکترونیکی پرهیز دارند و یا رغبتی به آن نشان نمی‌دهند؟

ممکن است بعضی کانون‌های محترم نگران مغایرت انتخابات الکترونیک با آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری باشند و این امر آن‌ها را از برگزاری انتخابات بصورت الکترونیک دور داشته باشد. در عین حال بیشتر کانون‌ها تاکنون موفق نشده‌اند سیستم اتوماسیون داخلی هوشمند و قابل بروزرسانی داشته باشند و از این‌رو زیرساخت برگزاری انتخابات الکترونیک را نیز ندارند. در هر صورت کانون یزد تابوشکنی کرده و امیدوارم سایر کانون‌ها به‌ویژه کانون‌های پر جمعیت مثل کانون مرکز برای فوریت اعلام نتیجه آراء و سایر مزایای انتخابات الکترونیک به سمت این نوع انتخابات حرکت کنند.

به طور کلی انتخابات هیأت‌مدیره کانون‌های وکلا را چقدر مهم می‌دانید و برای برگزاری آن چه تدابیری اتخاذ کرده‌اید؟

انتخابات هیأت‌مدیره کانون‌ها بسیار حائز اهمیت است و نامزدهایی باید مورد اقبال قرار

گیرند که با تحولات جامعه هم‌دل بود و دارای تفکرات نو و بدیع باشند.

متأسفانه در حال حاضر بعضی از همکاران هیأت‌مدیره کانون‌ها دارای تفکرات سنتی بوده و حاضر نیستند حتی متون و منابع آزمون کارآموزی وکالت را که مربوط به قبل از جنگ جهانی می‌باشد تعدیل و اصلاح کنند. این تفکرات آفت بزرگی برای پیشبرد امور وکالت و اعتلای جایگاه نهاد وکالت در عصر ارتباطات و اطلاعات و عصر انقلاب الکترونیک است.

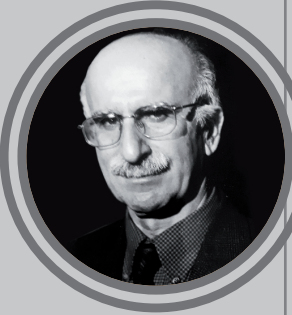
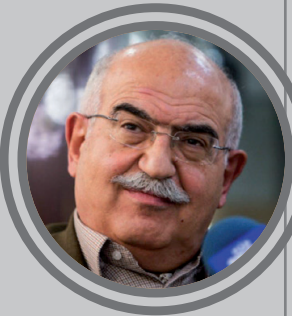
در مورد انتخابات کانون‌های وکلا اگر نقدی به قانون مربوطه یا شیوه اجرا دارید بفرمایید.

صرف‌نظر از عدم اجرای انتخابات الکترونیک، مهم‌ترین نقد به مشارکت اندک وکلای دارای حق رأی و حق انتخاب‌شدن در امر انتخابات وارد است. عدم حضور همکاران چه به عنوان انتخاب‌کننده و چه انتخاب‌شونده (نامزد انتخابات) در جلسه هیأت عمومی آفت بزرگی است که موجب خدشه به شأن و منزلت کانون‌های وکلا به‌عنوان قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین نهاد مدنی کشور است.

انتظار است انتخابات کانون‌ها در بین تمام انتخابات سیاسی و اجتماعی از هر حیث خصوصاً مشارکت فعال و حداکثری الگو و نمونه باشد.

پرونده

یادنامه



درگذشت مرد اخلاق و قانون

روز ۳۱ فروردین ماه، خبر درگذشت اسماعیل مصباح اسکویی، وکیل خوشنام و عضو چندین دوره از هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز اعلام شد. مصباح اسکویی (متولد ۱۳۲۰ تبریز) دانش آموخته دانشگاه تهران بود و پروانه وکالت پایه یک دادگستری را در سال ۱۳۴۷ دریافت کرد. به گفته رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز، «ایشان طی ۵۰ سال سابقه‌ای که داشتند هیچ گاه محکومیت کیفری یا کیفرخواست انتظامی نداشتند. ایشان همچنین یکی از پاک‌ترین مدیران کانون وکلای دادگستری بوده است».

درگذشت بهمن کشاورز و بهت

جامعه حقوقی کشور روز ۳ اردیبهشت و تنها چند روز پس از درگذشت اسماعیل مصباح اسکویی، فرزند بهمن کشاورز از درگذشت پدرش بر اثر ضایعه قلبی خبر داد. بهمن کشاورز (متولد ۱۳۲۳ تهران) از سال ۱۳۵۰ به کسوت وکیل دادگستری درآمد و سه دوره عضویت در هیأت مدیره کانون وکلای مرکز و پنج دوره دو ساله ریاست اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری را در کارنامه خود داشت. برخی از افراد خانواده او چهره‌هایی شناخته شده در عرصه فرهنگ و سیاست هستند؛ جد پدری اش (محمد وکیل‌التجار یزدی) نماینده دوره اول و دوم مجلس شورای ملی و جد مادری اش (شیخ محمود کسمانی) از یاران میرزا کوچک‌خان جنگلی بودند. پدرش (کریم کشاورز) نویسنده و مترجم و از اعضای اصلی کمیته مرکزی حزب توده بوده است. فریدون منو، از باسابقه‌ترین وکلای ایران، شوهر خاله و وکیل سرپرست بهمن کشاورز بود و همسر عموی او (خدیجه کشاورز) نخستین زن ایرانی بود که موفق به اخذ پروانه وکالت شد. از بهمن کشاورز تألیفات حقوقی متعددی از جمله اولین فرهنگ حقوقی انگلیسی به فارسی (منتشر شده در سال ۱۳۵۴)، «هنر دفاع در دادگاه‌ها»، «سرقفلی و حق کسب و پیشه و تجارت»، «وکیل دادگستری و اخلاق حرفه‌ای» و «دفاع و استدلال شفاهی در دادگاه‌ها» بر جای مانده است.

پرویز بهرام، گوینده و دوبلور سرشناس سینما و تلویزیون ایران دوشنبه ۶ خرداد پس از دوره‌ای بیماری در ۸۶ سالگی در تهران درگذشت. او که تحصیل کرده رشته حقوق وکیل دادگستری بود، از اواخر دهه ۲۰ خورشیدی وارد کار دوبله شد. از کارهای شاخص وی می‌توان به گویندگی در مجموعه مستند جاده ابریشم و گویندگی به جای شخصیت کارآگاه کاستر اشاره کرد.

مرتضی کلانتریان، حقوقدان و مترجم نام آشنا روز ۱۲ خرداد ۱۳۹۸ در ۸۷ سالگی درگذشت. کلانتریان دکترای حقوق را از دانشگاه پاریس گرفته بود و بعد از بازگشت به عنوان قاضی دادگستری مشغول به کار شد. مدتی پس از بازنشستگی به کار وکالت پرداخت و نهایتاً به ترجمه متون ادبی و حقوقی روی آورد.

برخی معروف‌ترین ترجمه‌های او عبارتند از: «سیمای زنی در میان جمع»، «ظرافت جوجه تیغی»، «ادبیات و حقوق»، «اندیشه‌های حقوقی»، «بررسی یک پرونده قتل»، «رساله‌ای کوچک در باب فضیلت‌های بزرگ» و «قرارداد اجتماعی».



گزارش یک اعتراض

هاله کشاورز از روزهای پس از انتخابات دوره هشتم می‌گوید

ساختمان و خانه خود، امری عادی و طبق قاعده است.

از سوی دیگر استنباط و تلقی یک فرد بدون ارائه اسناد و مدارک متقن نباید و نمی‌بایست محمل اتخاذ تصمیم اکثریت اعضای هیئت نظارت بر ابطال آراء و اراده مجمع عمومی قرار داده شود. دادگاه عالی انتظامی قضات نیز دقیقاً به جهت فقدان مدرک و سند، رأی بر صحت انتخابات و ابطال تصمیم هیئت نظارت صادر کرد.

نکته مهم و قابل توجه در این رخداد بی‌سابقه در تاریخ کانون‌های وکلای دادگستری ایران، اقدامات و اظهارات متعاقب اعتراض به تصمیم هیئت نظارت بود که افرادی ذی‌مدخل در این جریان مضمراً با من تماس گرفته و درخواست استرداد اعتراض را داشتند. ایشان بر این مطلب پافشاری می‌کردند که چنانچه اعتراض مسترد گردد، در کانون مسئله را «جمع» خواهند نمود! دقیقاً بر همین عبارت «جمع کردن» پافشاری و اصرار داشتند و البته هیچ مستند قانونی نیز برای مکانیزم پیشنهادی ارائه نمی‌کردند.

در هر حال صحت انتخابات با حکم «دادگاه عالی انتظامی قضات» اثبات گردید و پرونده رسیدگی به تخلفات احتمالی در این روند نیز به جهت حفظ اعتبار و شأن کانون‌های وکالت و با اغماض همکاران هیچ‌گاه مفتوح نشد.

همان‌طور که در ذهن و خاطر بسیاری از همکاران باقی مانده، انتخابات دوره هشتم با تصمیم شماره ۵۴۵۷ مورخه ۱۳۹۳/۹/۱۲ اکثریت اعضای هیئت نظارت بر انتخابات باطل اعلام گردید.

تصمیم به ابطال انتخابات به استناد گزارش ریاست وقت «هیئت نظارت بر انتخابات» که سمت ریاست «هیأت‌مدیره کانون وکلای دادگستری خراسان» را نیز عهده‌دار بود، اتخاذ شد. دلیل ابطال نیز تبلیغات تعدادی از کاندیداها و طرفداران ایشان در محل طبقه همکف ساختمان کانون و ارسال پیامک تبلیغاتی سه نفر از کاندیداها انتخابی در صبح روز رأی‌گیری اعلام شد. این تصمیم وفق مقررات و در مهلت مقرر از ناحیه تعدادی از همکاران مورد اعتراض قرار گرفت. نگارنده این‌طور نیز یکی از معترضین به تصمیم ابطال بود و اهم موارد مورد اعتراض به شرح زیر بودند:

-وفق ماده پنج آئین‌نامه لایحه استقلال، صرفاً تبلیغ در محل جلسه هیئت عمومی که در آن رأی‌گیری به عمل می‌آید، ممنوع شده است. با توجه به این مطلب که محل رأی‌گیری در طبقه سوم کانون بوده لیکن مشاهدات و اظهارات رئیس هیئت نظارت مربوط به طبقه همکف و ورودی ساختمان می‌باشد، به فرض صحت در شمول ممنوعیت مذکور به شمار نمی‌آید. ضمن آن که اکثریت همکاران حاضر، پس از رأی‌دادن در طبقه همکف به گفت‌وگو و احوال‌پرسی مشغول بوده و این مطلب نیاز به توضیح ندارد که حضور وکلا در

از ابطال

انتشار متن آرای هیأت «نظارت بر انتخابات» و دادگاه «عالی انتظامی قضات»

شکایت سه نفر از وکلا انتخابات را باطل اعلام کردند. این تصمیم، با اعتراض برخی وکلای دادگستری مواجه شد که نهایتاً دادگاه عالی انتظامی قضات به عنوان مرجع صالح، به موضوع رسیدگی و با نقض تصمیم هیأت نظارت بر انتخابات، انتخابات را صحیح اعلام کرد. در این رابطه مباحث مختلفی از جمله در ارتباط با تفسیر ماده

انتخابات هشتمین دوره هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری خراسان که بیست و هشتم آبان ۱۳۹۳ برگزار شد، از جهات مختلف ویژه و قابل توجه است، در این دور از انتخابات بر خلاف رویه ادوار سابق چهره هایی جوان توانسته بودند اکثریت کرسی های هیأت مدیره را تصاحب کنند ولی یازده روز پس از برگزاری انتخابات چهار نفر از پنج عضو هیأت نظارت بر انتخابات با

باسمه تعالی

به تاریخ نهم آبان ماه یک هزار و سیصد و نود و سه، جلسه هیأت نظارت بر انتخابات کانون وکلای دادگستری خراسان، به منظور رسیدگی به اعتراضات واصله از سوی پاره ای از همکاران نسبت به انتخابات انجام شده در بیست و نهم آبانماه یک هزار و سیصد و نود و سه، با حضور کلیه اعضاء تشکیل است. ملاحظه می گردد سه تن از همکاران معترض یعنی آقایان محمدرضا. ر، مهدی. ش و علیرضا. ب طی نامه ثبت شده به شماره ۵۳۲۰-۹۳/۹/۶ اعتراض خود را پس گرفتند، با این توصیف هیأت به منظور رسیدگی به اعتراضات سه تن دیگر از همکاران به نام های آقای احمد. ب، علی اصغر. م و مهران. م وارد بحث و بررسی می گردد و پس از مذاکرات طولانی چند ساعته، سرانجام اکثریت اعضای هیأت نظارت به شرح زیر اتخاذ تصمیم می نماید:

«تصمیم اکثریت هیأت نظارت»

اولاً: با نگرش به عبارت «مدت شکایت از جریان انتخابات تا سه روز بعد از اتمام قرائت آراء می باشد...» در ماده ۱۲ آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری که می رساند سه روز مهلت شکایت، از بعد از پایان خوانده شدن آرای مأخوذه و الزاماً اعلام آن آغاز می گرد چه مستبعد است ذینفع بی آگاهی یافتن از مفاد تصمیم موضوع شکایت، بتواند نسبت به آن شکایت نماید و این مهم، یعنی اطلاع رسانی مطمئن به همه وکلای محترم عضو کانون وکلای دادگستری خراسان، در پایان رأی گیری، نظر به تعداد و پراکندگی محل اشتغال آنان در سه استان خراسان های شمالی، رضوی و جنوبی، جز از طریق درج آگهی در روزنامه شذنی نبود. از این رو مهلت یاد شده مقرر در ماده ۱۲ بنا به قاعده معمول در زمینه اعتراض، از روز بعد از درج آگهی در روزنامه آغاز می گردد. لذا اعتراضات واصله که در سومین روز پس از درج آگهی واصل گردیده است در مهلت به شمار می آید. ثانیاً: درباره اعتراض دو تن از وکلا به نام های آقایان احمد. ب و مهران. م نسبت به جریان انتخابات، بدین شرح که علیرغم صراحت بخش اخیر ماده ۵ آئین نامه فوق الذکر در زمینه ممنوعیت تبلیغات در روز رأی گیری، تعدادی از کاندیداها همراه با طرفدارانشان در طبقه همکف ساختمان کانون وکلای دادگستری از آنان تبلیغات می نمودند. در عین حال نزدیک به یک ساعت گذشته از آغاز رأی گیری، پیامکی

است. بنابراین موجبی برای اظهار نظر مجدد درباره اعتراض مزبور ضروری به نظر نمی رسد این تصمیم در محل اخذ آراء اعلام می گردد و معترضین وفق مقررات ماده ۱۴ آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری نسبت به آن حق اعتراض خواهد داشت.

امضا کنندگان: احمد احمدی (عضو هیئت نظارت) مهدی ندافیان (عضو هیئت نظارت) فاطمه امینی (عضو هیئت نظارت) مهدی عامری (رئیس هیئت نظارت)

«تصمیم اقلیت هیأت نظارت»

بنام خدا. در خصوص اعتراض آقایان ۱. علی اصغر. م (ثبت شده به شماره ۵۲۹۶ مورخه ۹۳/۹/۶) ۲. مهران. م (ثبت شده به شماره ۵۳۲۱ مورخه ۹۳/۹/۶) ۳- احمد. ب (ثبت شده به شماره ۵۳۳۲ مورخه ۹۳/۹/۶) به جریان انتخابات هشتمین دوره انتخابات هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری خراسان. صرف نظر از اینکه:

الف) مفاد اعتراضیه آقای علی اصغر. م این است که هیأت نظارت می بایست تنها با قرائت ۵ نفر از اسامی مندرج در تعرفه انتخاباتی هنگام استخراج آراء اقدام نماید و قرائت اسامی مازاد بر ۵ نفر را باطل اعلام نماید. به نظر می رسد که این موضوع اولاً مغایر با قسمتی از ماده ۲ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ و ماده ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت مصوب ۱۳۷۶ (که هر دو ماده قانونی یاد شده هیأت مدیره کانون وکلا را متشکل از اعضای اصلی و علی البدل دانسته) و ثانیاً: اینکه مقررات این قانون را ناظر به رسیدگی قضایی در دادگاههای عمومی، انقلاب، تجدیدنظر و دیوان عالی کشور و سایر مراجعی که به موجب این قانون موظف به رعایت آن می باشند دانسته و اینکه مقررات قانون آیین دادرسی مدنی صرفاً ناظر به رسیدگی در محاکم قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، آئین نامه های مربوط به وکالت (لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت و...) اشاره ای به مقررات قانون آیین دادرسی مدنی شده و همچنین در قانون آئین دادرسی مدنی نیز هیأت نظارت را موظف به رعایت مقررات آن ننموده و اینکه از نظر عرف سه روز موضوع قانون شامل روز اعلام هم می شود و این معنا صراحتاً در آگهی هیأت نظارت در هنگام درج نتیجه انتخابات لحاظ شده است. فلذا اعتراض تمامی معترضین

تبلیغاتی به سود سه تن از کاندیداها که جزء منتخبین انتخابات هم می باشند برای همکاران فرستاده شد که «مؤثر هم واقع گردید» و بدین ترتیب «نتیجه ای ناصواب و مخدوش» از برگزاری انتخابات به دست آمده است با عنایت به ۱. اعلام موضوع اجتماع چند تن از کاندیداها و انجام تبلیغات به سود آنان از سوی تعدادی از همکاران که برای رأی دادن آمده بودند به رئیس فعلی هیأت مدیره در مقام رئیس هیأت نظارت و تذکر به آنان برای پراکنده ساختن اجتماع و متوقف ساختن تبلیغات ۲. تأیید مراتب از سوی رئیس هیأت نظارت (رئیس فعلی هیأت مدیره کانون) که شخصاً برای پراکنده ساختن اجتماع تشکیل شده به محل مراجعه و با آنان گفتگو نموده بود ۳. انعکاس صریح موضوع در شکایت نامه های سه تن از همکاران معترض که اعتراض خود را پس گرفتند و یکی از آنان (آقای محمدرضا. ر) منتخب ردیف دوم و دیگر (آقای سیدمهدی. ش) منتخب ردیف چهارم انتخابات و سومی (آقای علیرضا. ب) در ردیف ۱۲ بوده اند ۴. یادآوری مکرر تعدادی از همکاران هنگام رأی دادن، به اعضای هیأت نظارت که در محل اخذ رأی مشغول انجام وظیفه بودند برای چاره اندیشی و جلوگیری از تخلفی که صورت می گرفت ۵. درستی ارسال پیامک تبلیغاتی برای سه تن از کاندیداها از طریق تلفن همراه به دلالت پیامکی که در همین راستا، در ساعت ۸:۵۲ صبح روز پنجشنبه ۹۳/۸/۲۹ یعنی روز برگزاری انتخابات واصل و مشاهده گردید. انجام اقدامات ناروا و بر خلاف موازین ادعایی در شکایت نامه ای به سود تعدادی از کاندیداها محرز و مسلم است و چون بر این اساس تأیید درستی انتخابات انجام شده محل تردید است بنابراین اکثریت اعضای هیأت نظارت بر انتخابات کانون وکلای دادگستری خراسان، نظر بر بی اعتباری انتخابات انجام شده «روز پنجشنبه ۹۳/۸/۲۹» اعلام می دارند. و اما در خصوص اعتراض آقای علی اصغر. م دایر بر این که می باید مقرر می گردید هر یک از انتخاب کنندگان در برگه رأی تنها ۵ نفر از کاندیدها را به عنوان اعضای اصلی هیأت مدیره کانون برگزینند نه ۸ نفر اعضای اصلی و اعضای علی البدل را و چون رویه متخذه همخوانی با قانون ندارد به آن اعتراض دارد. از آنجا که در مورد اعتراض مشابه، عنوان شده از سوی یکی از همکاران هیأت نظارت قبلاً مستند به ماده ۲ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری و قسمت اخیر ماده ۹ آئین نامه لایحه مزبور، اتخاذ تصمیم نموده و به رد آن اظهار نظر کرده

تا نقص

علی رغم اهمیت این رخداد تاریخی، تاکنون کمتر به آن پرداخته شده است، ماهنامه «وکلا» به منظور ایجاد زمینه بررسی بیشتر جنبه های مختلف آن برای نخستین بار تصمیم اکثریت هیات نظارت بر انتخابات هشتمین دوره هیات مدیره کانون وکلای خراسان به همراه نظریه یک عضو مخالف این هیات و همچنین رای دادگاه عالی انتظامی قضات در نقض تصمیم هیات نظارت بر انتخابات و تایید صحت آن را منتشر می کند.

۵ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری در مورد مصداق «محل اخذ رای» و یا مبدا مهلت اعتراض به انتخابات موضوع ماده ۱۲ آیین نامه مطرح شده است. از سوی دیگر اخذ چنین تصمیم بی سابقه ای از سوی هیات نظارت بر انتخابات، شائبه های مختلفی به دنبال داشت، مخصوصاً اینکه به جهت اعتراض به آن در دادگاه عالی انتظامی قضات به عنوان مرجع صالح به رسیدگی، موجب انتقال یک مساله صنفی نهاد مستقل کانون وکلا به دستگاه قضا شد.

با پیوست نمودن پرونده انتخابات و به موجب نامه شماره ۹۳/۹/۲۶ جهت رسیدگی به اعتراضات واصله به دادگاه عالی انتظامی قضات ارسال شده که به این شعبه ارجاع گردیده است. اکنون هیات شعبه سوم دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب مرقوم تشکیل است. دادگاه با مطالعه و بررسی محتویات پرونده، لوائح اعتراضیه واصله و انجام مشاوره به شرح ذیل مبادرت به صدور رأی می نماید.

«رأی دادگاه»

قطع نظر از اینکه در مورد ادعای وقوع تخلف در انتخابات هشتمین دوره هیات مدیره کانون وکلای دادگستری خراسان، هیچگونه مدرک و مستندی در پرونده مضبوط و منعکس نیست و صرفاً به ذکر مواردی که در لایحه وکلای محترم معترض به نتیجه انتخابات عنوان شده، اکتفا و بر مبنای آنها تصمیم اکثریت هیات محترم نظارت بر بی اعتباری انتخابات (انجام شده در تاریخ ۹۳/۸/۲۹) صادر گردیده است. اصولاً، موارد اعلام شده (ارسال پیامک در روز انتخابات هیات مدیره و تجمع وکلا در طبقه همکف کانون که در طبقه سوم آن انتخابات جریان داشته) با توجه به شخصیت افراد و واجد شرایط برای رأی دادن و نوع انتخابات، نمی تواند از مواردی محسوب شود که در نتیجه انتخابات مؤثر واقع گردد. از این رو هیات دادگاه با پذیرش اعتراضات مطروحه نسبت به تصمیم مورخ نهم آبان ماه (صحیح آن آذر ماه است) یک هزار و سیصد و نود و سه اکثریت هیات نظارت ثبت شده به شماره ۵۴۷۵-۹۳/۹/۱۲ و احراز صحت برگزاری و نتیجه انتخابات مورخ ۹۳/۸/۲۹ هشتمین دوره هیات مدیره کانون وکلای دادگستری خراسان به استناد ماده ۱۴ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، تصمیم معترض عنه مذکور را نقض و کلاً لم یکن اعلام می کند. با توجه به مراتب مذکوره، اعتراض آقایان علی اصغر مرادی گوارشکی و مهران میرزائیان تفتنی وارد نبوده و رد می گردد، این رأی قطعی است.

رأی دهندگان نیز تا شماره ۸ برای درج اسامی کاندیداها لحاظ گردیده و به صراحت قسمت اخیر ماده ۹ آیین نامه لایحه قانونی مرقوم، اسامی زائد بر عده ای که باید انتخاب شوند قرائت نخواهد شد. بنابراین عدم قرائت اسامی زائد بر پنج نفر مغایری موازین قانونی یاد شده می باشد.

ب. در خصوص اعتراض دو تن دیگر از وکلای رأی دهنده اولاً، قسمت اخیر ماده ۵ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری ناظر به منع تبلیغ در موافقت یا مخالفت اشخاص، در جلسه هیات عمومی (محل اخذ رأی) بوده و به محل اجتماع وکلا در طبقه همکف ساختمان و غیر از طبقه رأی گیری می باشد، دلالتی ندارد.

و ثانیاً، اگر تبلیغی هم در محل کانون به عمل آمده باشد از مصادیق تقلب نبوده که به جریان انتخابات خللی برساند و در محل اخذ رأی (محلی که صندوق هست) نیز هیچ گونه تخلفی صورت نگرفته و اعتراضی هم از این حیث به عمل نیامده است. همچنین در تصمیم اقلیت، اعتراضات واصله به نتیجه انتخابات خارج از موعد اعلام شده، زیرا به صراحت ۱۲ آیین نامه مرقوم مدت شکایت از جریان انتخابات تا سه روز بعد از اتمام قرائت رأی بوده که در جلسه هیات عمومی وکلا، پس از پایان شمارش رأی ساعت ۲۰/۳۰ مورخ ۹۳/۸/۲۹ نتیجه رأی قرائت و اعلام شده و به فاصله کمتر از نیم ساعت نیز نتیجه انتخابات از طرف هیات نظارت و از طریق پیامک برای تمامی وکلا ارسال شد و نهایتاً در روزنامه خراسان به شماره ۱۸۸۴۱-۹۳/۹/۳۰ نتیجه انتخابات درج گردید.

فلذا به نظر اقلیت اعتراض تمامی معترضین، خارج از مهلت سه روزه مقرر در ماده ۱۲ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری و آگهی مندرج در روزنامه خراسان بوده و قابلیت رسیدگی نداشته و نتیجتاً نظر بر صحت و خاتمه انتخابات ابراز داشته اند.

پس از صدور تصمیم هیات نظارت به شماره ۵۴۷۵-۹۳/۹/۱۲ تعدادی از وکلای محترم که حق اعتراض داشته اند نسبت به ابطال انتخابات و اعلام بی اعتباری اعتراض نموده که عبارتند از: ۱. علیرضا ق. ۲. مهدی م. ۳. مسعود خ. ۴. جواد م. ۵. محمدمهدی ص. ۶. محمدعلی س. ۷. الهه ب. ۸. هاله ک. ۹. رضا ک. و آقای علی اصغر م. همچنان به روش انتخاب به گونه ای که قید گردید اعتراض دارد. آقای مهران م. طی لایحه ای از رأی اکثریت دفاع نموده و درخواست تأیید آن را دارد. لوائح اعتراضیه واصله در دفتر کانون وکلای خراسان ثبت گردید (لوائح واصله در مهلت قانونی می باشد) و سپس

مذکور و برخی دیگر در ساختمان کانون (محل اخذ رأی) انجام می گرفت.

۳. آقای احمد ب. «در روز برگزاری انتخابات از سوی سه نفر از نامزدها که از قضا جزء منتخبین هم می باشد، از طریق ارسال پیامک تبلیغ صورت گرفته و عوامل آنان هم روز تبلیغات در کانون تبلیغ کرده اند که مؤثر واقع شده است.» هیات محترم نظارت بر انتخابات مذکور پس از رسیدگی به اعتراضات سه معترض یاد شده و انجام مشاوره، با اکثریت و قابلیت اتخاذ تصمیم نموده اند که اجمالی از تصمیمات مذکور نقل می گردد.

۱. تصمیم اکثریت: «اولاً مدت شکایت از جریان انتخابات تا سه روز بعد از اتمام قرائت رأی می باشد و با توجه به پراکندگی محل اشتغال رأی دهندگان در سه استان، اطلاع از نتایج و قرائت رأی جز از طریق درج در روزنامه ممکن نبود، بنابراین وصول اعتراضات در سه روز بعد از انتشار در مهلت قانونی می باشد.

ثانیاً: با توجه به مندرجات لایحه اعتراضیه دو تن از وکلا، در مورد مخدوش بودن نتیجه انتخابات و اعلام موضوع اجتماع چند تن از کاندیداها و انجام تبلیغات به سود آنان از سوی تعدادی از همکاران به رئیس فعلی هیات مدیره (و رئیس هیات نظارت)، ایشان برای پراکنده نمودن اجتماع و گفتگو با آنان اقدام به مراتب را تأیید نموده اند. همچنین تذکر برخی دیگر از وکلا در این خصوص و درستی ارسال پیامک تبلیغاتی برای سه تن از کاندیداها در ساعت ۸:۲۵ دقیقه صبح روز بعد انتخابات، انجام اقدامات ناروا به سود تعدادی از کاندیداها محرز و مسلم است و چون بر این اساس تأیید درستی انتخابات انجام محل تردید است، بنابراین اکثریت اعضای هیات نظارت (۴ نفر از پنج نف) به بی اعتباری انتخابات مذکور اتخاذ تصمیم نموده اند و راجع به اعتراض آقای علی اصغر م. که خلاصه آن قبلاً نقل گردید اکثریت اعلام داشته اند چون یکی از همکاران قبلاً مستند به ماده ۲ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری و قسمت اخیر از ماده ۹ آیین نامه لایحه مزبور اتخاذ تصمیم نموده و به رد آن نظر داده است بنابراین موجبی برای اظهار نظر مجدد درباره اعتراض نمی باشد.

۲. تصمیم اقلیت (یک نفر): الف. مفاد لایحه اعتراضیه آقای علی اصغر م. (قبلاً اعتراض ایشان درج گردید) اولاً، با قسمتی از ماه ۲ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری و ماده ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت (که هر دوماده قانونی یاد شده هیات مدیره کانون وکلا را متشکل از اعضای اصلی و علی البدل دانسته) مغایر است و ثانیاً، در تعرفه های ارائه شده به

کلاس پرونده: ۵۶۱/۹۳ تا ۵۵۱/۳ ش
شماره دادنامه: ۵۱۷ الی ۵۰۷ مورخ
۱۳۹۳/۱۰/۲۲

مرجع سیدگی: شعبه سوم دادگاه عالی انتظامی قضات

موضوع رسیدگی: اعتراض به تصمیم مورخ ۹ آبان ۹۳ (شماره ۹۳/۹/۵۲۷۵/۱۲) هیات نظارت بر تخلفات هشتمین دوره هیات مدیر کانون وکلای دادگستری خراسان ظاهراً ۹ آذر ۹۳ صحیح است و قید آنان در صدر صورتجلسه مبتنی بر اشتباه است.

خلاصه جریان پرونده:

حسب مندرجات صورتجلسه مورخ ۹۳/۸/۲۹ هیات نظارت بر انتخابات هشتمین دوره هیات مدیره کانون وکلای دادگستری خراسان از ساعت ۸/۵ صبح الی ۲ بعد از ظهر ۹۳/۸/۲۹ با رعایت کامل تشریفات قانونی انجام، پس از لاک و مهر نمودن صندوق رأی، مجدداً در حضور اعضای هیات نظارت باز و شمارش رأی گردیده و نتایج به شرح ذیل اعلام گردیده است:

کل رأی مأخوذه ۶۵۵ رأی، حائزین اکثریت عبارتند از ۱. آقای محمد مشتاقی ۲. محمدرضا ریاحی ۳. مسعود خراشادی زاده ۴. مهدی شالفروشان ۵. علیرضا قدیری ۶. سید حمید هروی ۷. محمدمهدی صفاکیش و ۸. جواد اعظم صادقی (ترتیب نفرات منتخب از بالاترین رأی شروع شده است پنج نفر اول عضو اصلی و سه نفر بعدی علی البدل تعیین گردیده اند) و نتیجه انتخابات در روزنامه مورخ ۳ آذر ۱۳۹۳ منتشر گردیده که متعاقب آن آقایان ۱. علی اصغر م. ۲. مهران م. ۳. احمد ب. ۴. محمدرضا ر. ۵. علیرضا ب. و ۶. سید مهدی ش. همگی در تاریخ ۹۳/۹/۶ به نتایج حاصله از انتخابات اعتراض نموده اند. سه نفر آخر یعنی شماره های ۴ و ۵ که از کاندیداها ی انتخابات بوده اند اعتراض خود را مسترد کرده اند و با توجه به اعتراض سه نفر دیگر که یکی از آنان (آقای علی اصغر م.) از کاندیداها ی انتخاب می باشد، رسیدگی به اعتراضات در هیات نظارت حسب اختیارات قانونی در تاریخ نهم آذر ماه یک هزار و سیصد و نود و سه (که به اشتباه تایپی آبان ماه قید گردیده) انجام گرفته است.

۲. آقای مهران م. «در روز انتخابات ۹۳/۸/۲۹ و ابتدای اخذ رأی پیامکی با مضمون تبلیغات صریح به نفع پنج نفر از کاندیداها برای تمام همکاران محترم ارسال شده و سه نفر از آنان موفق به اخذ رأی اکثریت شده اند. علاوه بر آن در روز انتخابات تبلیغات دیگری به نفع ۵ کاندیدی

گفت‌وگو با کاوه رضوانی‌راد وکیل دادگستری

انتشار تصاویر در فضای مجازی باید قاعده‌مند شود

سهولت دسترسی به فضای مجازی و همه‌گیر شدن استفاده از شبکه‌های اجتماعی، پرسش‌های جدیدی را چه در حوزه حقوقی و چه در زمینه فرهنگی و اجتماعی پدید آورده است؛ مباحثی که اختصاص به ایران نداشته و در همه نقاط افکار عموم جامعه و صاحبان اندیشه را به چالش کشیده است. رأی مه ۲۰۱۴ دادگاه اروپایی عدالت در خصوص حق انسان‌ها بر فراموش شدن یکی از بحث‌برانگیزترین نمونه‌های قانونگذاری در این حوزه بود. در این رابطه با کاوه رضوانی‌راد از وکلای دادگستری که در فضای مجازی نیز حضور فعالی دارد به گفت‌وگو نشستیم.



سیده‌نسرین حسین‌پور

وکلای قرار دادن عکس و اطلاعات در فضای مجازی به لحاظ حقوقی و امنیتی چه پیامدهایی دارد؟

در حال حاضر حافظه اینترنت در اختیار هیچ کس نیست؛ یعنی در اختیار همه هست و در اختیار هیچ کس نیست و هنگامی که اطلاعات خود را وارد فضای اینترنت می‌کنید، فقط اختیار وارد کردن آن عکس یا اطلاعات را دارید و به محض اینکه آن عکس یا اطلاعات منتشر شود، دیگر هیچ اختیاری ندارید، آن اطلاعات ذخیره می‌شود و حتی اگر بعداً آن عکس را حذف کنید ممکن است توسط دیگران ذخیره شده باشد. این مسائل باعث می‌شود که ما در انتشار تصاویر در فضای مجازی خیلی بیشتر دقت کنیم چون شما چیزی را به حافظه اینترنت اضافه می‌کنید که بعداً نمی‌توانید به میل خودتان آن را پاک کنید.

این مسئله در مورد انتشار تصاویر کودکان در اینستاگرام مادرانه یا پدران خلی جدی‌تر است و اصل ماجرا این است که وقتی تصاویر فرزند یا دوستانتان را منتشر می‌کنید عملاً و بدون اینکه آن‌ها بخواهند به زندگی آن‌ها جهت می‌دهید چون آن‌ها در مقابل تصمیم‌های غیرقابل بازگشت هستند.

وقتی که یک مادر عکس برهنه کودک خود را منتشر می‌کند باید این را بداند که ممکن است کسی این عکس را ذخیره کند و سال‌ها بعد

بخواهد از عکس آن کودک سوءاستفاده کند به همین دلیل پیشنهاد من این است که انتشار تصاویر کودکان در فضای مجازی و انتشار هر تصویری در فضای مجازی قاعده‌مند شود، چون حریم خصوصی افراد در تعارض قرار می‌گیرد. تصور کنید که عکسی از یک مهمانی خصوصی منتشر می‌کنید و این عکس در دسترس تعداد زیادی از انسان‌ها قرار می‌گیرد و ممکن است یک نفر از آن جمع بعدها بخواهد وارد یک پست سیاسی یا دانشگاهی یا اقتصادی شود و باید تبعات آن را بپذیرد، مثلاً در همین کشور می‌بینید فردی که در انتخابات مجلس در اصفهان آرای مردم را به‌دست آورده، به دلیل انتشار چند تصویر خصوصی از وی رد صلاحیت می‌شود.

وکلای آیا در خصوص انتشار تصاویر افراد در فضای مجازی در حقوق داخلی قوانینی وجود دارد؟

در حوزه انتشار تصاویر افراد در فضای مجازی، قانون جرایم سایبری وجود دارد و مشخصاً در این قانون گفته شده که انتشار تصاویر خصوصی افراد و افشای اسرار خصوصی آن‌ها جرم است، ولی ما اینجا با یک وضعیت فرهنگی مواجهیم و با یک وضعیت قانونی مواجه نیستیم؛ مسئله مادری که تصاویر لحظات شخصی فرزند خود را در اختیار همه قرار می‌دهد، یک مسئله قانونی نیست بلکه فرهنگی است و ما باید قبل از هر چیز بدانیم که حفظ حریم خصوصی و جلوگیری از ایجاد

یک شخصیت نمایشی برای بچه‌ها چه اهمیتی دارد. به نظر می‌رسد ابزار قانون برای سروسامان دادن به شرایط فعلی ابزار ناکارآمدی باشد.

وکلای درباره حق بر فراموشی در دنیای امروز بگویید.

حق بر فراموشی یعنی افراد حق داشته باشند وضعیت‌های ناخوشایند خود را در فضای مجازی پاک کنند، مثلاً اگر تصویری در مورد آن‌ها وجود دارد که برای آن‌ها خوشایند نیست یا غیرواقعی است آن‌ها حق داشته باشند که از سرورها بخواهند که این اطلاعات را پاک کنند. حق بر فراموشی امروز در اروپا به رسمیت شناخته شده و دادگاه اروپایی حقوق بشر این حق را برای شهروندان اروپایی به رسمیت شناخته اما در بقیه جاهای دنیا هنوز توسعه پیدا نکرده است. هرچند که به نظر می‌رسد با گسترش شبکه‌های اجتماعی و اینکه افراد بخش زیادی از اطلاعات خود را در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک می‌گذارند، حق بر فراموشی به زودی در بسیاری از کشورهای جهان به رسمیت شناخته می‌شود و سرورها و تأمین‌کنندگان اینترنت دنیا موظف خواهند بود که به حکم دادگاه در مورد پاک کردن ردپای ناخوشایند افراد از اینترنت احترام بگذارند و آن اطلاعاتی را که افراد دوست ندارند از آن‌ها در سطح اینترنت وجود داشته باشد، از حافظه پاک کنند.





هفت استدلال برای شمول مقررات مرور زمان بر جرم مستمر

دکتر امین بخشی‌زاده از مدرسان جوان و نام آشنا و صاحب تألیفات متعدد در زمینه حقوق جزا و آیین دادرسی کیفری است. وی در کسوت قضاوت نیز با رویکردی علمی و تحلیلی آراء قابل توجهی صادر کرده است. یکی از دادنامه‌های وی در پرونده‌ای با موضوع مزاحمت ملکی و ممانعت از حق صادر شده است. در این دادنامه امین بخشی‌زاده به عنوان دادیار شعبه پنجم دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان مرند به طور مستدل جرم مستمر را نیز قابل شمول مرور زمان کیفری دانسته است. در ادامه مشروح دادنامه را می‌خوانید:

قرار دادسرا

دادستان محترم عمومی و انقلاب شهرستان مرند؛ احتراماً در خصوص شکایت آقای [...] علیه آقای [...] و آقای [...] دائر بر ایجاد مزاحمت ملکی و ممانعت از حق موضوع ماده ۶۹۰ قانون تعزیرات، با این شرح مختصر که شاکی ادعا نموده از سال ۱۳۸۶ مشتی‌کنی عده ردیف اول اقدام به کشیدن سیم خاردار در راه عبوری کرده و مشتی‌کنی عده ردیف دوم نیز با سنگ‌ریزی در مسیر راه، تردد وی را به زحمت انداخته و موجب مزاحمت ملکی و ممانعت از حق گردیده‌اند. لازم به ذکر است که ملک مورد ادعای شاکی متعلق به مادر متوفی وی بوده که در سال ۹۵ فوت نموده است. دادیاری با ملاحظه جمیع اوراق و محتویات پرونده با هفت استدلال زیر، شکایت موضوع پرونده را مشمول مرور زمان شکایت می‌داند: اول اینکه بر خلاف ماده ۱۰۵ که مبدأ مرور زمان تعقیب از تاریخ «وقوع جرم» ذکر شده، در ماده ۱۰۶ مبدأ مرور زمان شکایت از تاریخ «اطلاع از وقوع جرم» پیش‌بینی شده است. لذا آنچه در مرور زمان شکایت ملاک است، تاریخ «اطلاع» از وقوع جرم است نه تاریخ وقوع جرم. لذا نمی‌توان بین جرم آنی و مستمر تفکیک قائل شد و آنچه مهم است، قابل گذشت بودن جرم می‌باشد. پس همین که بزه‌دیده از وقوع جرمی مطلع شد یک سال از تاریخ اطلاع (و شش ماه از تاریخ فوت مورث) حق شکایت دارد و الا مشمول مرور زمان قرار می‌گیرد؛ حتی اگر جرم مذکور، مستمر باشد. دوم اینکه طبق ادعای شاکی، وارث وی (مادر شاکی) قبل از فوت اقدام به شکایت کیفری علیه مشتی‌کنی عده‌های پرونده جاری نموده بود که بعداً گذشت نموده است. در حالی که به موجب تبصره ماده ۱۰۶، مورث زمانی حق شکایت کیفری دارد که متضرر از جرم قبل از انقضای مدت یک‌ساله موضوع ماده فوت کند و دلیلی بر صرف نظر وی از طرح شکایت نباشد. در حالی که در فرض مذکور اولاً متضرر پس از انقضای یک‌ساله از تاریخ ۱۳۸۶ فوت نموده و ثانیاً طبق اظهارات شاکی، قبلاً از شکایت خود صرف‌نظر نموده است.

سوم اینکه مبنای حقوقی تصور این موضوع که جرائم مستمر مشمول مرور زمان قرار نمی‌گیرند، این است که رکن مادی در جرم مستمر، دائم در حال استمرار است. در حالی که بین «استمرار» و «تکرار» تفاوت وجود دارد. به این صورت که در استمرار، عنصر مادی واحد بوده و در طول زمان استمرار دارد و کسی که علیه وی چنین جرم قابل گذشتی رخ می‌دهد یک‌سال حق شکایت از تاریخ اطلاع (و وراثت وی طرف مهلت شش ماه از تاریخ فوت متضرر) دارند و اگر اقدام به شکایت نکنند، همانند حالتی است که از شکایت خود صرف‌نظر نموده‌اند. اما در تکرار جرم، عنصر مادی یک‌بار ارتکاب یافته و به اتمام می‌رسد و مرتکب مجدداً همان عنصر مادی را انجام می‌دهد. در این فرض مبدأ مرور زمان شکایت از تاریخ اطلاع از وقوع جرم مکرر شروع می‌شود؛ حال آنکه در پرونده حاضر، رکن مادی بزه مورد ادعای شاکی همانی است که از سال ۸۶ استمرار دارد و خارج از فرض تکرار جرم است. چهارم اینکه مستند تصور این موضوع که جرائم مستمر مشمول مرور زمان قرار نمی‌گیرند، رأی وحدت رویه شماره ۶۵۹ می‌باشد لکن این رأی زمانی صادر شده است که مقنن به مرور زمان شکایت توجهی نداشت و صرفاً مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای حکم را پیش‌بینی کرده بود (ماده ۱۷۳ قانون منسوخ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸) در حالی که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مرور زمان شکایت را نیز در کنار سایر مرور زمان‌ها آورده که محتوای آن در مورد «جرائم قابل گذشت» بوده و مدت آن یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم می‌باشد. بنابراین نباید انتظار داشت که محتوای رأی وحدت رویه شماره ۶۵۹ که قبل از قانون ۱۳۹۲ بود، شامل مرور زمان شکایت نیز باشد. چرا که در زمان صدور رأی وحدت رویه مذکور، مرور زمان شکایت موضوعاً متفق بود و وجود نداشت. بدیهی است مفاد یک رأی وحدت رویه تا زمانی قدرت اجرایی دارد که با قانون یا رأی وحدت رویه مؤخری در تضاد یا تعارض نباشد. پنجم اینکه مقنن در جرائم قابل گذشت انعطاف بیشتری نسبت به جرائم غیرقابل گذشت دارد و بر

این اساس نیز انتظار می‌رود مقررات مرور زمان در این جرائم آسان‌تر شمرده شود. با توجه به اینکه مرور زمان شکایت مختص جرائم قابل گذشت می‌باشد و حتی مقنن نیز مدت آن را نسبت به مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرا کمتر پیش‌بینی نموده و مبدأ آن را از تاریخ «اطلاع از وقوع جرم» دانسته بنابراین همین که متضرر، از وقوع جرم قابل گذشتی اطلاع حاصل نمود، ظرف یک سال از تاریخ اطلاع (و شش ماه از تاریخ فوت مورث) حق شکایت از مرتکب دارد و اگر اقدام به شکایت ننمود، از نظر مبنای حقوق جزا اماره بر این است که از حق شکایت کیفری خود صرف‌نظر نموده و این حق مشمول مرور زمان قرار می‌گیرد. (چه بسا مورث شاکی پیشتر اقدام به شکایت نموده و سپس گذشت خود را اعلام نموده است). ششم اینکه با وجود تصریح و نص قانون در خصوص عبارت «از تاریخ اطلاع از وقوع جرم» نیاز به تفسیر وجود ندارد و در فرض لزوم تفسیر نیز، «تفسیر به نفع متهم» اعتقاد بر شمول مرور زمان شکایت را تقویت می‌کند. هفتم اینکه شمول مرور زمان و از بین رفتن تعقیب کیفری که یک مقررات شکلی و مربوط به آیین دادرسی کیفری است، الزاماً به معنی از بین رفتن حقوق متضرر نبوده و می‌تواند از طریق طرح دعوی حقوقی در مرجع صالح، به حقوق خود برسد. در نتیجه با عنایت به جمیع مراتب و استدلال‌های فوق‌الذکر و صرف‌نظر از نظریه کارشناس محترم که مصون از اعتراض نیز مانده است، ضمن راهنمایی شاکی برای طرح دعوی حقوقی مرتبط در مرجع صالح، به نظر این دادیاری دعوی حاضر طبق ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی و تبصره آن مشمول مرور زمان شکایت گردیده و به استناد ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری، قرار موقوفی تعقیب مشتی‌کنی عده‌ها صادر و اعلام می‌گردد. قرار صادره ظرف مهلت ده روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در محاکم محترم کیفری دو شهرستان مرند از سوی شاکی می‌باشد.

امین بخشی‌زاده - دادیار شعبه پنجم دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان مرند

ماهانامه حقوقی وکلا
شماره ۳ تیر ۱۳۹۸
صاحب امتیاز ،
مدیر مسئول و سردبیر:
سیاوش هوشیار
دبیر تحریریه:
مونا زنده دل
اعضای تحریریه:
سید سبحان هوشیار امامی
سیده نسرین حسین پور
فرزانه صفری
صفحه آرا:
مجید چاکری
نشانی:
مشهد
بلوار سجاد
چهارراه بزرگمهر
مجتمع سازسل
واحد ۱۰۴
تلفن:
۰۵۱)۳۷۶۰۰۳۴۸
نمابر:
۰۲۱)۸۹۷۸۱۴۶۱
تلگرام:
@vokalamag
vokalamag@yahoo.com
www.vokalamag.ir

اشتراک
برای اشتراک ۶ شماره
ماهانامه حقوقی وکلا می
توانید مبلغ ۶۰۰۰ تومان
به کارت بانکی شماره
۶۰۳۷۹۹۷۴۴۹۶۷۲۵۹۲
نام سیاوش هوشیار حسینی واریز
و فیش پرداختی را
به همراه نام، نام خانوادگی و
نشانی دقیق پستی
از طریق نمابر، رایانامه یا تلگرام
ارسال کنید.

چنانچه این نشریه رایگان به
دست شما رسیده است
در صورت تمایل
می توانید قیمت آن را
به کارت بانکی شماره
۶۰۳۷۹۹۷۴۴۹۶۷۲۵۹۲
به نام سیاوش هوشیار حسینی
واریز کنید.

ماهانامه حقوقی وکلا از همه
وکلا و کارآموزان وکالت، قضات و
مرتبطان دستگاه قضا و اساتید و
صاحب نظران دعوت می کند تا
دیدگاه ها و مطالب خود راجع به
مسائل حقوقی روز و نقد و تحلیل
آراء و رویه های قضایی جدید را
جهت انتشار به این نشریه ارسال
کنند.

دهمین دوره انتخابات کانون وکلای دادگستری خراسان



با همبستگی،
تا تغییر...

@hambastegivokala



گروه همبستگی وکلای دادگستری خراسان

هدف:

ارتقاء جایگاه کانون وکلای دادگستری خراسان به یک نهاد مدنی حرفه ای پویا و کارآمد

برنامه ها:

۱. بازنگری در سیاست ها و روش های مدیریتی ناکارآمد
۲. ایجاد ساختار مسئولیت پذیر و پاسخگو و پرهیز از انحصار
۳. توجه به رفاه مادی و آرامش و امنیت معنوی وکلا و کارآموزان محترم
۴. کادر سازی با آماده نمودن جوانان برای اداره ای امور ضمن استفاده از تجربیات ارزشمند پیشکسوتان

روش ها:

۱. تدوین و پیگیری طرح ها و لوایح مناسب برای برطرف نمودن اصولی موانع و مشکلات حرفه ای با جلب توجه مراجع و مقامات محلی، ملی و اسکودا و کانون وکلای مرکز
۲. بازنگری در ترکیب و کارکرد کمیسیون ها با فراخوان عضویت، کنار گذاشتن محدودیت های غیر ضروری و انتخاب روسا با مشورت اعضا
۳. رایزنی با نهادها، سازمان ها، مراکز علمی و اجرایی برای گسترش زمینه های اشتغال و استفاده از امکانات رفاهی، تشکیل دوباره کمیسیون منحل شده ای رفاه، تقویت کمیسیون ورزش برای برگزاری برنامه های همگانی و فعال نمودن کمیسیون های منفعل
۴. جلب همکاری بیشتر وکلا و کارآموزان و تشکل های حرفه ای و استفاده بهینه از

۵. پشتیبانی همکاران در ایفای وظایف حرفه ای، کاستن بر خوردهای نامناسب، پیشگیری از پرونده سازی و پایدار نمودن استقلال قانونی کار دادسرا و دادگاه های انتظامی از دخالت هیات مدیره
۶. تشکیل مجمع عمومی سالانه وکلا، ایجاد دبیرخانه دائمی برای آن و ارائه گزارش کامل اداری و مالی در مجامع، آگاهی رسانی صحیح و شفاف برنامه ها، مصوبات جلسات و همایش ها و ابراز دیدگاه ها و موضع گیری های به هنگام و مناسب در وقایع حرفه ای
۷. شناساندن بهتر نهاد حرفه ای کانون و خدمات وکلای محترم به مردم و جامعه برای کاهش حجمه های بی پاسخ سال های اخیر با استفاده از ظرفیت رسانه ها و فضاهای مناسب فرهنگی
۸. چابک سازی کانون با فراهم نمودن زمینه تشکیل کانون در استان های خراسان شمالی و جنوبی و پایان بخشیدن به وضعیت نابسامان و غیر قانونی رها شده ای فعلی
۹. بازنگری کیفی و کمی خدمات کارکنان برای پویایی و تکریم همکاران و مراجعان
۱۰. ضابطه مند نمودن عدالت محور شیوه نقل و انتقالات سلیقه ای برای کاهش دغدغه ها با تدوین شیوه نامه مناسب
۱۱. تغییر در شیوه ناکارآمد فعلی انتخاب وکلای سرپرست و بهینه سازی دوران کارآموزی، حذف تکالیف و محدودیت های بیهوده، تلاش برای بازآموزی و نوآموزی دانش وکلا و تخصصی شدن وکالت
۱۲. بهره گیری بهینه از ظرفیت قانونی برای رد درخواست های صدور پروانه قضاتی که رفتار مناسبی با همکاران نداشته اند
۱۳. حضور منظم اعضای هیئت مدیره در کانون برای برنامه ریزی، نظارت و پاسخگوایی



دارای پروانه شماره ۹۴/۴۱۵۷
از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

زودتر بدانید